

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

**WORKER TODAY**

An Internationalist Worker's Paper

Vol.1, No.1, Tuesday May 1, 1990

سال اول، شماره ۱، یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۹

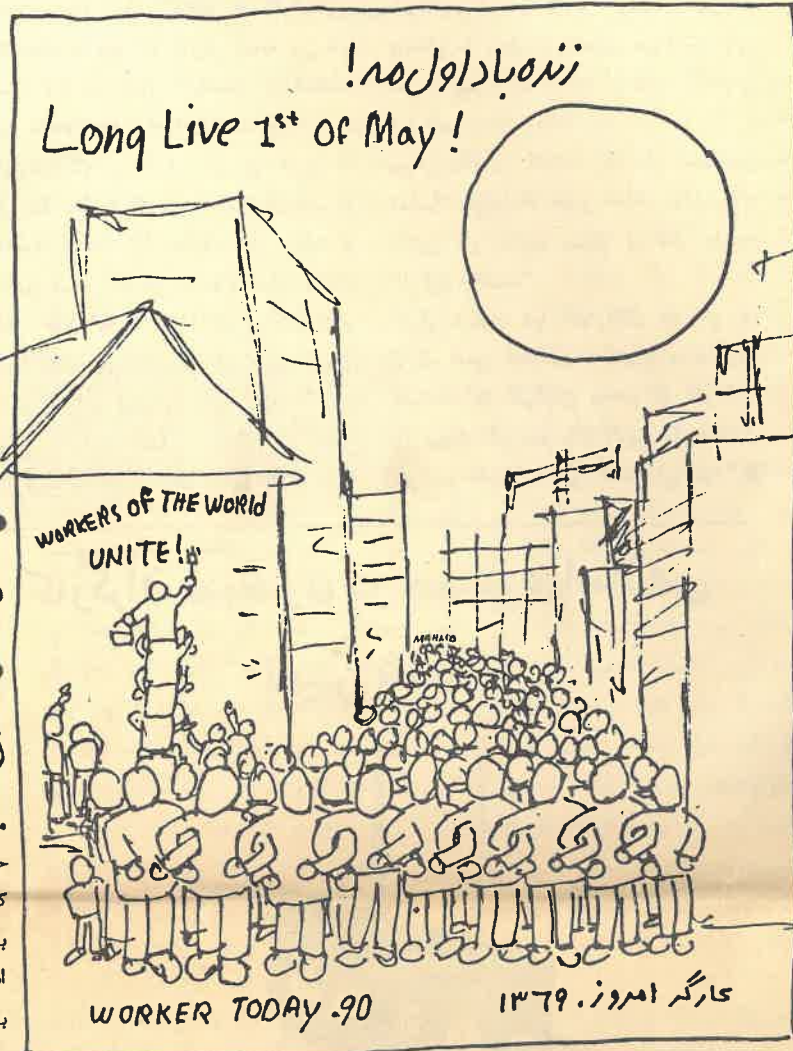
## حدود ۱۳۰۰۰ کارگر کفش ملی در بزرگترین اعتصاب کارگری سال ۶۸ خواهان ۳۰ درصد افزایش دستمزد شدند

طبقه بندی مشاغل منتهی اعلام کرد، کارگران شرکت آزاده برای اجرای فوری آن دست به اعتصاب زدند. اعتصاب ابتدا به شرکت شاهد و سپس به شرکت پارس سرایت کرد و بعد از سه روز به سرعت گسترش یافت و تمام مجتمع کفش ملی را در بر گرفت. کارگران اعتصابی با شعار اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد! به شرکت‌های دیگر مجتمع رفتند و کارگران را به اعتصاب دعوت کردند. بنا به همین گزارش انجمن و شورای اسلامی و بسیج کارخانه با صدور اطلاعیه، شناسایی فعالین اعتصاب و سخنرانی علیه کارگران اعتصابی کوشیدند تا به آن خاتمه دهند. اما پس از آنکه حتی وعده‌ها و تهدیدهای مدیریت، ماموران دادستانی و مشاور وزیر کار هم مبنی بر اعتصاب حرام بقیه در صفحه ۲

وسعی در میان کارگران کارخانجات دیگر یافت، به مطالبات اعتصاب افزوده شد و کارگران آنرا به صورت یک قطعنامه بیان کردند، خبرچینان رژیم اسلامی از کارگران کتک خوردند، شورای اسلامی شرکت آزاده استعفا داد، مدیر عامل کارخانه عوض شد، مشاور وزیر کار، ماموران دادستانی و پاسداران به کارخانه آمدند و کارگران را تهدید کردند، صدها تن از کارگران دستگیر شدند و خواست آزادی کارگران زندانی به مطالبات اعتصاب افزوده شد، کارگران چند تن از مدیران عامل و مسئولین کارگزینی را برای آزادی کارگران زندانی به گروگان گرفتند. به گزارش حزب کمونیست ایران، هنگامیکه شورای اسلامی وعده پنج ماه قبل مدیریت را مبنی بر اجرای طرح

- صدها کارگر اعتصابی دستگیر شدند
- کارگران خواهان آزادی زندانیان شدند

مرکز خبری کارگر امروز: حدود ۱۳۰۰۰ کارگر از ۲۲ شرکت گروه صنعتی کفش ملی در دیماه گذشته به مدت یک هفته برای ۳۰ درصد اضافه دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زدند. در طول این اعتصاب که انعکاس



## غنچه‌هایی که نشکفته پیر می شوند!

گفتگو با کودکی ۸ ساله در یکی از کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران



س: پوولی که اینجا بهتون میدن می دونی چقدره؟  
ج: بله. ۹۳ تومن.  
س: فکر می کنی این مقدار کافیه برای صبح تا عصر؟  
ج: نه.  
س: کافی نیست؟  
ج: نه.  
س: زندگی تون تامین نمیشه؟  
ج: نه.  
س: اینجا کجا زندگی می کنید؟  
ج: خونه بهتون دادن؟  
س: بله. خونه مال اربابه.  
س: این خونه تمیز هست؟ بهداشتیه؟  
ج: نه.  
س: چه جوریه؟  
ج: خونمون سوسک داره.  
س: از سوسکا نمی ترسی؟  
ج: چرا. مجبوریم بریم تو خونه.  
س: به نقل از برنامه کار و کارگر رادیو رژیم اسلامی

ج: چرا.  
س: موقعی جان اینجاست چکار می کنی؟  
ج: می شینم و استراحت می کنم.  
س: معصومه جان برای من می تونی بگی بزرگترین آرزوت چیه؟  
ج: دوست داشتم اینجا کار نمی کردم، می رفتم مدرسه.  
س: مگه مدرسه نمی ری؟  
ج: نه.  
س: اصلا درس نخوندی؟  
ج: نه.  
س: می دونی درس خواندن چه فایده‌ای داره؟  
ج: بله. آدم با سواد میشه.  
س: می تونی به من بگی چرا با داداش‌ها و بابا و مامانت آمدید اینجا؟  
ج: اومدیم پول دربیاریم.  
س: مگه پول ندارید؟  
ج: نه. برای زندگی مون پول نداریم.

## در یکی از بزرگترین محاکمات تاریخ سوئد: ۹۸ کارگر بجرم اعتصاب محاکمه دسته جمعی

رساندن ما برای اعتصابی که کرده‌ایم نیست. هدف این است که تمامی مزد بگیران را به سکوت و تسلیم بکشانند. از این رو پیروزی ما، پیروزی همه مزد بگیران دولتی خواهد بود. ما حاضر نیستیم زیر بار زور انجمن واحد کار و اتحادیه کارفرماها برویم. ما در معرض پرداخت جریمه اعتصاب به مبلغ قریب به ۲۰۰ هزار کرون به اضافه مخارج دادگاه هستیم. ما به حمایت شما نیازمندیم. به همین جهت صندوق جریمه به وجود آورده‌ایم. پول جمع آوری شده به مصرف پرداخت جریمه و سفر دسته جمعی به دادگاه کار خواهد رسید.

چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی خواهد بود. ما حاضر نیستیم زیر بار زور انجمن واحد کار و اتحادیه کارفرماها برویم. ما در معرض پرداخت جریمه اعتصاب به مبلغ قریب به ۲۰۰ هزار کرون به اضافه مخارج دادگاه هستیم. ما به حمایت شما نیازمندیم. به همین جهت صندوق جریمه به وجود آورده‌ایم. پول جمع آوری شده به مصرف پرداخت جریمه و سفر دسته جمعی به دادگاه کار خواهد رسید.

چهارچوب اتحادیه برنیم. شرکت و واحد کار، جنگ را با کشیدن ۹۸ نفر از ما به دادگاه کار تشدید کردند. منظور اصلی آنان از برآه انداختن یکی از بزرگترین محاکمات تاکنونی در سوئد علیه کارگران مبارز تنها به مجازات

منصور حکمت در گفتگو با کارگر امروز:  
• وقایع اروپای شرقی مقدمه‌ای به تحولات عظیمتر در خود اروپای غربی است  
• راه پیشروی سوسیالیسم کارگری امروز بازتر است  
• دهه ۹۰، دهه تقابل وسیع جنبشهای اجتماعی بر سر معضلات گرهی جامعه معاصر است

# کارگر امروز

## اعتصاب کارگران کفش ملی

است. کارگران را ضدانقلاب تحریک کرده است و طرح طبقه بندی مشاغل گروگان گرفتند. اجرا خواهد شد. کارساز نکشت از سوی دیگر رادیو صدای کارگر که پاسداران و ماموران دادستانی مستقر متن اطلاعیه الیاسین مدیر عامل گروه و در زندان اوین دستگیری کارگران را قطعنامه کارگران شرکت آزاده را

نماینده دادستانی به کارگران اعتصابی کفش ملی: "اگر شما خواستهای خود را بپذیرید بعد نوبت کارگران ذوب آهن و شرکت نفت و غیره میرسد و وقتی کارگران شرکت نفت اعتصاب کنند یعنی همه مردم ایران. ما شما را ساکت می کنیم که به جاهای دیگر سرایت نکند."

آغاز کردند. پاسداران با هجوم شبانه به خانه کارگران و متوقف کردن سرویسهای کارخانه در مسیرهای مختلف، صداهای کارگر اعتصابی را دستگیر و به زندان بردند.

به گزارش حزب کمونیست ایران، کارگران که با اطلاع یافتن از دستگیریها خشمگین شده بودند به مزدوران و خیرچینان شناخته شده رژیم اسلامی در کارخانه حملور شده و آنها را کتک زدند و سپس با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد به طرف ساختمان اداری کارخانه هجوم بردند و چند نفر از مدیران و مسئولین کارگری را برای

بنا به همین گزارش در آخرین روزهای اعتصاب انجمن و شورای اسلامی و بسیج کارخانه تعدادی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر را که در بین آنها افراد کمیته و ماموران دادستانی نیز حضور داشتند جمع کردند و در خیابانهای کارخانه دست به تظاهرات زدند. اینها که پلاکارد و بلندگو همراه داشتند شعارهایی علیه اعتصاب دادند و در پایان نیز قطعنامه‌ای در محکوم ساختن اعتصاب قرائت کردند. به گزارش حزب کمونیست ایران کارگران پس از یک هفته اعتصاب و با قول مدیریت و مقامات رژیم اسلامی مبنی بر آزاد شدن کارگرانی که در طول اعتصاب دستگیر شده‌اند و اجرای سریع طرح طبقه بندی مشاغل به سر کارهای خود بازگشتند.

بنا به همین گزارش کارگران کفش

### از قطعنامه کارگران شرکت آزاده که مورد تأیید کارگران قرار گرفت:

- ۱ - اجرای حتمی طرح طبقه بندی از سال ۶۲ با پرداخت عقب افتادگی.
- ۲ - پرداخت ۳۰ هزار تومان عقب افتادگی نقدی و ماهیانه ۲ هزار تومان بصورت قسط.
- ۳ - ۳۰ درصد افزایش دستمزد.

استعفا داد و مدیر عامل کارخانه نیز ملی رشت نیز همزمان با کارگران گروه صنعتی ملی در اعتصاب بوده‌اند.

## رسوایی مالی در اتحادیه اسکان

مدیره فاش ساخت. اظهارات ابراهیمی نشان میدهد که هیئت مدیره اتحادیه اسکان نزدیک به ۵۰۰ میلیون ریال از پولهای کارگران را که با بریدن نان فرزندان خود جمع کرده‌اند خرج سور و سات و ولخرجی‌های خویش کرده است.

به گزارش کار و کارگر برای "شهرک کارگری" که تبلیغات زیادی حول آن شده است هیچ کاری صورت نگرفته و در واقع این شهرک هنوز تنها روی

مدیره فاش ساخت. اظهارات ابراهیمی نشان میدهد که هیئت مدیره اتحادیه اسکان نزدیک به ۵۰۰ میلیون ریال از پولهای کارگران را که با بریدن نان فرزندان خود جمع کرده‌اند خرج سور و سات و ولخرجی‌های خویش کرده است. به گزارش کار و کارگر برای "شهرک کارگری" که تبلیغات زیادی حول آن شده است هیچ کاری صورت نگرفته و در واقع این شهرک هنوز تنها روی

مرکز خبری کارگر امروز: اتحادیه اسکان جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بوجود آمد و هدف آن برقراری یک کنترل مرکزی بر تعاونیهای مسکن کارگری بود. از همان ابتدا دعوا بر سر تصاحب این ناندانی بزرگ بین خانه کارگر و هیات مدیره اسکان بالا گرفت و در ادامه آن در دیماه ماه گذشته، صادق ابراهیمی نماینده خانه کارگر در اتحادیه اسکان مسائلی را پیرامون سواستفاده مالی هیئت

## کارگر کارخانه جامکو در اعتراض به اخراج ما کارگران بودیم که کارخانه را بوجود آوردیم والا اکنون کارخانه‌ای به اسم جامکو با این گستردگی نبود

علی رغم رای مثبت دادگاه این ۴ کارگر همچنان در بیرون در کارخانه باقی مانده‌اند.

مسئول آبدی که در سال ۶۷ بعنوان کارگر نمونه زن هم انتخاب شد به خبرنگار کار و کارگر گفت: "پرونده پرسنلی ما مملو از تشویق می باشد ولی نمی دانیم به چه علت اخراج شده‌ایم."

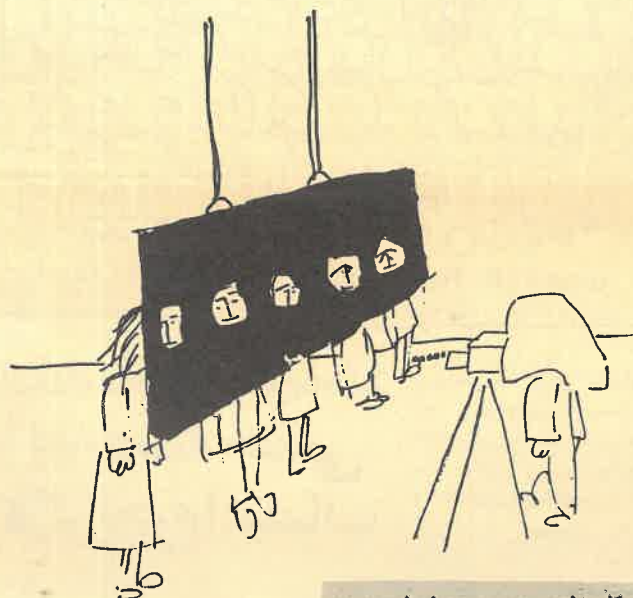
پوران انوری گفت: ما از مسئولین تقاضا داریم که ضمن حذف ماده ۳۳ قانون کار جاری بیشتر به فکر جامعه کارگری باشند."

کارگر دیگری در اظهاراتش به کار و کارگر ضمن اعتراض به اخراج و بیکاری گفت: "ما کارگران بودیم که کارخانه را بوجود آوردیم والا اکنون کارخانه‌ای به اسم جامکو با این گستردگی نبود"

مرکز خبری کارگر امروز: قانون کار شاهنشاهی بویژه منفورترین ماده آن، ماده ۳۳، هنوز در رژیم ملامشاهی حکم میراند. از تیرماه تا اسفند ماه سال گذشته ۴ کارگر زن کارخانه جامکو که کارگر نمونه زن در سال ۶۷ نیز جزو آنهاست با استناد به ماده ۳۳ اخراج شده‌اند. به گزارش کار و کارگر، پوران انوری با ۸ سال سابقه کار، در انگیز نیکبخت و فاطمه وحدت با سابقه کار زیاد و خانم مسن آبدی با ۱۶ سال سابقه کار طبق ماده ۳۳ اخراج شده‌اند. آنها تلاش کرده‌اند تا از طریق قانونی حکم اخراج خود را لغو کنند. سه بار دادگاه تشکیل شده و یکبار کارفرما را به دادگاه کشیده‌اند. اما

## کارگران نمونه زن در جمهوری اسلامی

### تعیین شدند



عکاسخانه مخصوص خواهران نمونه

- ۱ - تلاش در جهت بالا بردن تولید
- ۲ - تلاش در جهت صرفه جویی در مواد اولیه
- ۳ - رعایت حجاب و شئونات اسلامی در محیط کار
- ۴ - رعایت نظم و انضباط در محیط کار
- ۵ - تلاش در جهت تربیت فرزندان صالح و شایسته و تقدیم یک شهید به انقلاب اسلامی
- ۶ - اهداء کمکهای نقدی و غیر نقدی به جبهه
- ۷ - خدمات گوناگون به انقلاب اسلامی در پشت جبهه، بعنوان یکی از پنج کارگر نمونه زن تعیین شد.

مرکز خبری کارگر امروز: در روز تولد فاطمه زهرا، فاطمه دوقوزلو بعنوان یکی از پنج کارگر نمونه زن در جمهوری اسلامی تعیین شد. در این روز که رژیم اسلامی می کوشد آنرا به روز زن تبدیل کند، "کارگران نمونه زن" جوایز خود را از آقایی با نام عجیبی معاون وزیر کار دریافت کردند. کارگران نمونه توسط وزارت کار، خانه کارگر و صدا و سیمای رژیم اسلامی تعیین می شوند. به گزارش کار و کارگر فاطمه دوقوزلو به دلایل:

بویژه از سال ۶۵ و پدنبال کاهش قیمت نفت آغاز شد اگر چه از دامنه آن کاسته شده اما همچنان ادامه دارد و کارگران به اشکال مختلف به آن اعتراض می کنند. کارگران علاوه بر مبارزات خود در کارخانجات که رژیم می کوشد از انتشار اخبار آنها جلوگیری کند ماهانه هزاران نامه و طومار اعتراضی تنها به کمیسیون کار مجلس ارسال می کنند. ملک آسا مخبر کمیسیون کار مجلس طی گفتگویی با کیهان گفت "روزانه ۲۰۰ شکایت و دهها طومار به

بویژه از سال ۶۵ و پدنبال کاهش قیمت نفت آغاز شد اگر چه از دامنه آن کاسته شده اما همچنان ادامه دارد و کارگران به اشکال مختلف به آن اعتراض می کنند. کارگران علاوه بر مبارزات خود در کارخانجات که رژیم می کوشد از انتشار اخبار آنها جلوگیری کند ماهانه هزاران نامه و طومار اعتراضی تنها به کمیسیون کار مجلس ارسال می کنند. ملک آسا مخبر کمیسیون کار مجلس طی گفتگویی با کیهان گفت "روزانه ۲۰۰ شکایت و دهها طومار به

## کارگران ماهانه هزاران نامه و طومار اعتراضی به مجلس می فرستند

آمار بیکاران کشور به ۳/۵ میلیون نفر می رسد

مرکز خبری کارگر امروز: اخراج و بیکار سازیهای وسیع که

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری  
**WORKER TODAY**  
An Internationalist Worker's Paper

سر دبیر: رضا مقدم  
Editor: Reza Moqaddam

آدرس: Address: حساب بانکی: Bank Account:

Box 19  
143 01 Vårby  
Sweden

اروپا: 405 04 Gothenburg, Sweden

Subscription Rates:

Europe:	1 Year SKr120	یکساله ۱۲۰ کرون سوئد
	6 Months SKr70	ششماهه ۷۰ کرون سوئد
Elsewhere:	1 Year SKr220	یکساله ۲۲۰ کرون سوئد
	6 Months SKr140	ششماهه ۱۴۰ کرون سوئد

Institutions Double the rate

All prices include p&p

بها برای موسسات دو برابر قیمت‌های فوق است.  
تمام قیمت‌ها با محاسبه هزینه پستی است.

از: هفته نامه

# کارگر

چاپ تهران

شورای عالی کار بر اساس ماده ۲۲ قانون کار هر ساله بر اساس افزایش هزینه‌های زندگی و سطح تورم، براساس

## درباره افزایش دستمزد

هزینه حداقل معیشت یک کارگر و خانوار ۴ نفره‌اش در چنین ایامی به تصمیم گیری می پردازد. اکنون شورای عالی کار باید در شرایطی به وظیفه هر ساله خود بپردازد که کارگران از نظر دستمزد در بدترین وضعیت خود در سالهای پس از انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند.

اشاره گذرا به سیر حداقل دستمزد در سالهای اخیر و فاصله آن با حداقل معیشت بیانگر این فاصله خواهد بود.

در سال ۱۳۵۸ شورای عالی کار حداقل دستمزد را که سالها قبل از انقلاب بر اساس ۲۱۲ ریال بی تغییر مانده بود به ۵۲۸ ریال یعنی سطح حداقل معیشت حقیقی سال ۵۷ معین کرد تا سال ۱۳۶۳ فاصله با ارائه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایشهای سالانه متناسب با رشد تورم و بالا رفتن هزینه فاصله حقیقی داشت.

به دنبال سقوط قیمت نفت در آخر سال ۱۳۶۴ و کاهش شدید درآمد ارزی کشور که مابین رقم ۶٪ تا ۱۴٪ در نوسان بود یکباره تا ۵ ارتقاء یافت در این شرایط با تغییرات جدیدی که در سبد هزینه

## حداقل دستمزد کارگران ۲۰ درصد افزایش یافت

مرکز خبری کارگراسرروز: حداقل دستمزد کارگران از ۸۳ تومان به ۱۰۰ تومان افزایش یافت. حداقل دستمزد کارگران دو سال قبل افزایش یافته بود و پس از آن علیرغم نرخ تورمی که بانک مرکزی ادعا دارد سالانه حدود بیست و پنج درصد بوده است ثابت ماند. اعتراضات و اعتصابات کارگری حول افزایش دستمزد در سال ۶۸ اوج تازه‌ای یافت که آخرین آن اعتصاب ۱۳۰۰۰ کارگر کفش ملی در دیماه گذشته بود. این مبارزات در کنار موجی از اعتراضات خیابانی که در زمستان گذشته در ایران به وقوع پیوست رژیم اسلامی را ناچار ساخت تا برای کاستن از نارضایتی عمومی حداقل دستمزد کارگران را افزایش دهد.

افزایش ۲۰ درصدی حداقل دستمزد حتی تورم رسمی دو سال گذشته را که حدود "۲۵ درصد" اعلام می شود

زندگی صورت پذیرفت. حداقل دستمزد ۱۳۶۷ ریال برآورد گردید که در نوسان بود یکباره تا بیست و هشت و نیم درصد ارتقاء یافت در این شرایط با تغییرات جدیدی که در سبد هزینه زندگی صورت پذیرفت، حداقل دستمزد ۱۳۶۷ ریال برآورد گردید که شورای عالی کار برای کارگران

متاهل حداقل ۳۶۰۰۰ ریال را به عنوان پرداخت ماهانه به تصویب رساند. در این سال میانگین دریافتی کارگران بر اساس آمار ۶۲۰۰۰ ریال و بر اساس آمار دیگری ۶۷۰۰۰ ریال برآورد گردیده بود. این رقم فاصله کمی با حداقل دستمزد

## کارگراسرروز

حداقل دستمزد حقیقی را به حداقل معیشت نزدیک کند. طرح بن در سال ۶۶ علیرغم اشکالاتی که داشت تا حدی بخشی از فاصله را پوشش داد و توانست پاره‌ای از خللهای ایجاد شده را بپوشاند. اما افزایش حداقل دستمزد برآوردی برای سال ۶۷ که به مرز ۱۲۰۰۰۰ ریال رسید و عدم تخصیص بموقع کالاهای بنی فاصله را

باز هم عمیقتر کرد. و چنانچه گفته میشود اکنون باید حدود ۲۰٪ نیز به مبلغ سال ۶۷ بیافزاییم تا مبنای برای حداقل دستمزد لازم برای حداقل معیشت سال ۶۸ داشته باشیم. اکنون با آمار و ارقام ارائه شده بخوبی پیداست که چه راه دشواری پیش روی شورای عالی کار قرار دارد. اگر بخواهد سطح دستمزدها را تا هزینه حقیقی بالا ببرد، مسلما باید

**اگر شورای عالی کار وضعیت فعلی یعنی افزودن مختصری بر مزدها را ادامه دهد سال آینده باید مسئولیت سنگین عواقب تنشهای بزرگ کارگری را پذیرا باشد**

بقیه در صفحه ۵

## کارگران کارخانه رازک: با این دستمزدها زندگی ممکن نیست!

• حقوقم ۴۶۰۰ تومان است با ۹ سر عائله

• پنج فرزندم به مدرسه می‌روند ولی نمی‌توانم یک

جفت کفش برای آنها بخرم

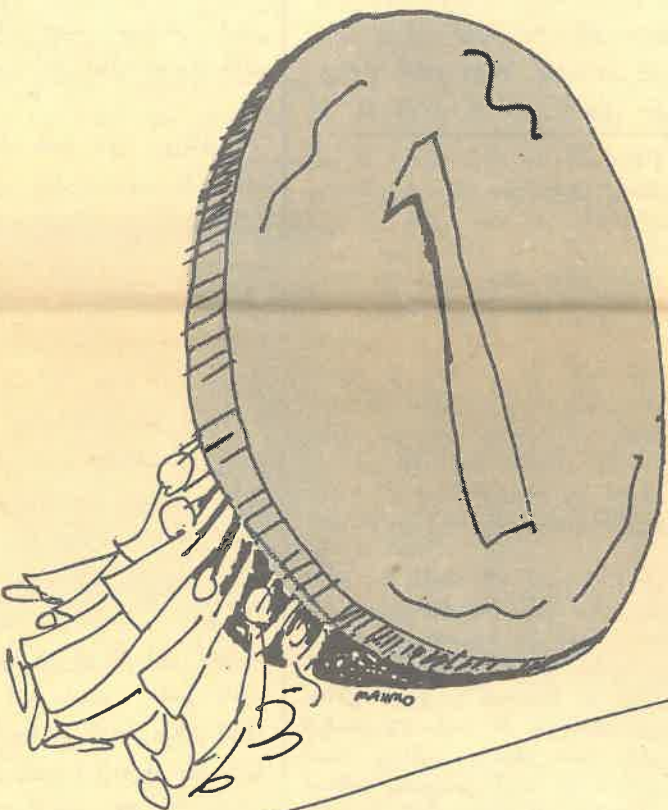
• پنج هزار تومان حقوق می‌گیرم که اصلا کفاف

زندگی را نمی‌دهد

مرکز خبری کارگراسرروز:

حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال ۶۹ به حداقل ۱۰۰ تومان در روز افزایش یافت. در حالی که قیمت دلار در بازار آزاد به ۱۴۰ تومان رسیده است. کل دریافتی‌های یک کارگر صنعتی هم بطور متوسط ۵۰۰۰ تومان در ماه است. یعنی

- کفش برای آنها بخرم.
- نزدیک به هفت سال است اینجا کار می‌کنم پنج هزار تومان حقوق می‌گیرم که با این تورم، کرایه خانه و ... به هیچ جا نمی‌رسد.
- یک زن کارگر مسئول قسمت: ۲۱ سال سابقه خدمت دارم. پنج هزار تومان حقوق دستم را می‌گیرد. می‌خواهم بازنشسته شوم ولی مگر با سه هزار تومان حقوق می‌شود؟
- اسدالله شکر هستم، ۶ سال سابقه کار دارم و چهار هزار و چهل و سه تومان حقوق می‌گیرم. من در زورآباد کرج مستاجر هستم ۲۳۰۰ تومان کرایه می‌دهم و تنها ۳۰۰۰ تومان برای من باقی می‌ماند و نان آور پنج نفر هستم.
- ۱۴ سال است کار می‌کنم و پنج هزار و شصت تومان حقوق می‌گیرم.
- عابدی هستم، ۵ سال سابقه دارم و پنج هزار تومان حقوق می‌گیرم که نصف بیشتر آن را کرایه خانه می‌دهم. انتظار ما از دولت اینست در برابر کاری که می‌کنیم زندگیمان تامین شود.
- معصومه تاجیبانی هستم، ۱۴ سال سابقه کار دارم و حقوقام ۵۳۰۰ تومان است ... انتظار داریم که به وضع مادرهایی که در کارخانه کار می‌کنند و مسئولیت خانه را هم دارند بیشتر توجه شود و خولاش می‌کنم ساعت کار این قبیل افراد را کم کنند.
- یک زن کارگر دیگر: ما با ۲۲ سال سابقه کار، ۵ هزار تومان حقوق می‌گیریم. ولی در شرکت‌های دیگر این میزان بیشتر است.



ماهانه حدود ۳۵ دلار و هفتاد سنت. کارگران به پائین بودن دستمزدها اعتراض دارند و سال گذشته کارخانجات ایران شاهد اعتصابات متعدد کارگری برای افزایش دستمزد بوده است. کارگران کارخانه داروسازی رازک، که ایرانی شدی کارخانه "فایزر" آمریکاست، ۳۰۰ کارگر زن و مرد دارد که تعدادی از آنان در گفتگو با کار و کارگر از جمله درباره دستمزدها نیز سخن گفته‌اند.

- ۶ سال است کار می‌کنم، و خدماتی هستم حقوقم چهار هزار و شصت تومان است. با ۹ نفر عائله. حقوق کم است.

- انتظار دارم که از نظر حقوقی (دستمزد) به کارگران بیشتر برسند. الان من پنج فرزند دارم که مدرسه می‌روند ولی نمی‌توانم یک جفت

دستمزد روزانه را بمیزان ۱۷ تومان افزایش داد.

از سوی دیگر رفسنجانی طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی که در ۱۶ اسفند ماه برگزار کرد و نقاط مثبت فعالیت دولت‌اش را برشمرد، افزایش ۲۰ درصدی دستمزد را ۲۳ درصد اعلام کرد و گفت: "قشر کارمند و حقوق بگیر در گذشته بدترین زندگی را داشته ما امسال... حداقل دستمزد کارگران را با یک افزایش ۲۳ درصدی از ۸۳ تومان در روز به صد تومان رسانده‌ایم و باید به وضع مزدبگیرها بیشتر برسیم و تورم را بشکنیم و این کار دو تا سه سال طول خواهد کشید."

در همین رابطه رویتر از تهران گزارش داد که افزایش حداقل دستمزد به اعتراضات اخیر مربوط است و ناشی از تلاشهای دولت برای مقابله با اعتراضات است. ■

- حسین خادمی هستم. ۱۰ سال سابقه و ۳۷ سال سن دارم. طرح طبقه بندی مشاغل برای من هیچ تاثیری نداشته است. قبلا کارگر ساده بودم و حال هم همینطور. اخیرا حکم کارگر درجه یک را به من داده‌اند.
- علیرضا ابادی هستم. مسئول قسمت مکمل غذایی. ۱۶ سال سابقه و ۳۶ سال سن دارم. ما با این کار سنگینی که داریم حدود ۵ هزار تومان حقوق می‌گیریم که اصلا کفاف زندگی را نمی‌دهد.
- علی بیرعلی هستم. ۲۸ سال سن و ۸ سال سابقه کار دارم. مشکل ما در اینجا کمی حقوق کارگران است. الان بیشتر کارگران با این حقوق مستاجر هستند. بیمه (بیمه درمانی) هم که اصلا سرویس دهی خوبی ندارد. ما کارگران استفاده چندانی از دفترچه‌های بیمه نمی‌کنیم. ■

## نماینده شورای اسلامی کارخانه زمزم:

**ما در کارخانه هیج قدرتی نداریم و در انزوا فعالیت می‌کنیم**

ج: اکنون رابطه در حد مناسبی نیست. که آنهم بدین لحاظ است که شورا نتوانسته برای آنها مجموعه خوبی باشد. زیرا یکسری از خواسته‌های ما توسط مدیریت عملی نشده و یا در کل وقتی به کار ما و درخواست ما نگذاشته است.

طبیعتاً کارگران از نمایندگانشان انتظار دارند که با چنگ و دندان از منافع کارخانه و کارگران بدرستی دفاع کنند. ولی ما در کارخانه هیج قدرتی نداریم و در انزوا فعالیت می‌کنیم و همین امر باعث دلسردی اعضای شورا شده است. در صورتیکه شورا می‌تواند بازوی توانمند مدیریت و کارگران باشد.

س: با مدیریت چه نوع رابطه‌ای دارید؟

ج: همانطور که خدمتتان عرض کردم رابطه شورا با کارگران زیاد خوب نیست و رابطه مدیریت با شورا هم زیاد تعریفی ندارد و در حد مطلوب نیست.

س: شما جهت مستحکم کردن پایه‌های شورا، در آینده چه برنامه‌هایی دارید؟

ج: در حال حاضر شورا روزهای آخر مرحله دوم فعالیت خود را سپری می‌کند و اخیراً از وزارت کار خواسته‌ایم که زمینه انجام انتخابات مرحله سوم را فراهم آورد. زمانی شورا می‌تواند موفق باشد که در کنار مدیریت به درد دل کارگران بنشیند و به مشکلات آنها بپردازد. ولی تا ما یکسری مشکلات را مرتفع نسازیم خودمان هم بریدیم و دیگر نتوانستیم وضع موجود را تحمل کنیم. البته اوایل خوب بود، ولی بعد دیدیم که همکاری نمی‌شود و بعضی از اعضای شورا هم کم‌کم کنار کشیدند و ما هم تنها ماندیم. همین باعث دلسردی گردید و من امیدوارم آینده شورا خوب باشد و برادران بتوانند با مدیریت کنار بیایند. ■

مرکز خبری کارگزاران:

شوراهای اسلامی نه تنها قادر نشده‌اند حمایت کارگران را جلب کنند بلکه بعنوان ارگانی دولتی مورد حمله و اعتراض کارگران قرار گرفته‌اند، از جانب مدیران کارخانجات هم تحت فشار هستند و لذا در کارخانه منزوی‌اند. مطالبی که یکی از نمایندگان شورای اسلامی کارخانه زمزم طی مصاحبه‌ای با کار و کارگر مطرح کرده است در واقع توضیح موقعیت مشترک شوراهای اسلامی است.

س: بفرمائید شورا در چه سالی تشکیل شده و تاکنون چه فعالیت‌هایی داشته است؟

ج: در سال ۶۴ شورای اسلامی تشکیل شد و اکنون در مرحله دوم فعالیت بسر می‌بریم که این مرحله هم کار پایانی خود را طی می‌کند... شما اینرا می‌دانید که در حال حاضر قانونی نیست که وضعیت شوراها را مشخص نموده و یا بدرستی از آنها حمایت کند. ما در حال حاضر بصورتی دست و پا شکسته در حال کار هستیم ولی این شکل صحیح نیست. ما در حال حاضر پنج نفر اعضای شورا هستیم که یک نفر نماینده مدیریت در شورا است و بقیه منتخبین کارگران می‌باشند که این جمع نماینده ۵۰۰ نفر کارگر می‌باشد.

س: رابطه شورا با کارگران به چه شکل است؟

- گزارش وزارت خارجه آمریکا درباره نقض حقوق بشر در ایران
- در ایران هیچ اتحادیه کارگری وجود ندارد
- در مورد حق کارگران ایران برای اعتصاب، اطلاعی در دست نیست!
- در سال ۱۹۸۹ نیز ظاهراً اعتصابی صورت نگرفت!

شوراهای رسمی کار اسلامی نیز ابزارهایی هستند که دولت از آنها برای اعمال کنترل استفاده می‌کند و نه واحدهایی که به وسیله کارگران ایجاد شده باشند. در کنترل کارگران باشند و منافع خود آنها را حفظ کنند. با این حال، آنها اغلب توانسته‌اند از اخراج کارگران جلوگیری کنند. یک سیستم "اتحادیه‌های صنفی" نیز وجود دارد که بر یک اساس منطقه‌ای عمل می‌کنند. آنها جواز کسب صادر می‌کنند و کارگران را در یافتن شغل یاری می‌دهند. با این حال کارهای خود را در همکاری با دولت به انجام می‌رسانند. در مورد حق کارگران ایران برای اعتصاب، اطلاعی در دست نیست. در سال ۱۹۸۹ نیز ظاهراً اعتصابی صورت نگرفت.

اعتصاب دارند یا نه اظهار بی‌اطلاعی می‌نماید! به گزارش وزارت خارجه آمریکا درباره "نقض حقوق بشر در ایران" در ایران، هیچ اتحادیه کارگری واقعی وجود ندارد. یک سازمان رسمی به نام "خانه کارگر" که در سال ۱۹۸۲ به عنوان واحد کارگری حزب جمهوری اسلامی بوجود آمد، تنها سازمان کارگری مجاز است که از نزدیک با انجمنهای اسلامی و "شوراهای کار اسلامی" که در اکثر کارخانه‌های ایران ایجاد شده است، همکاری دارد. ریاست خانه کارگر را حسین کمالی، وزیر کار و امور اجتماعی، عهده‌دار است و در این حالت، بیشتر راهی برای اعمال نفوذ دولت است، نه یک اتحادیه کارگری که به وسیله کارگران و به منظور حفظ منافع آنها به وجود آمده باشد.

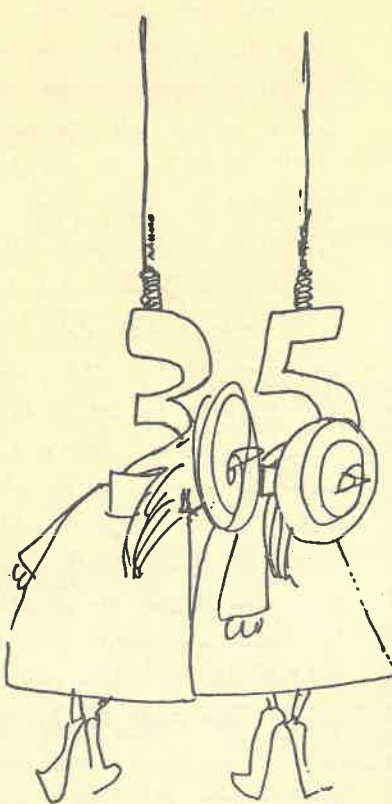
مرکز خبری کارگزاران: شوراهای اسلامی تشکلهای دولتی هستند و هیچ ربطی به کارگران ندارند جز اینکه سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را در کارخانه‌ها به پیش ببرند. این واقعیت چنان مشهود است که حتی دولت آمریکا آنرا فهمیده و نتوانسته از آن چشم پوشی کند. گزارش وزارت خارجه آمریکا درباره "نقض حقوق بشر در ایران" که اواخر سال گذشته منتشر شد و ترجمه فارسی آن در نشریه ایران تایمز به چاپ رسید ششمین و آخرین بخش خود را به حقوق کارگران ایران اختصاص داده است. در بخشی از این گزارش به دولتی بودن شوراهای اسلامی صریحاً اشاره می‌کند اما از اینکه کارگران قانوناً حق

بس که اشاره شود، در اولین نماز جمعه پس از آتش بس موسوی اردبیلی یکی از عظیم‌الجثه ترین آخوندهای رژیم، عربده کشان به کارگران گفت "حالا فکر نکنید جنگ تمام شده و ۴۰ ساعت کار و یک شکم سیر بخواهید". مقصود از آنچه در بالا گفته شد، طرح این سوال است که اکنون در مبارزه بر سر ساعت کار پرچم کارگران چه باید باشد؟ آیا ۴۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطیل، یعنی خواست ده سال پیش - کافی و مناسب است؟ تحقق ۴۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطیل برای کارگران ایران یک پیشروی مهم محسوب می‌شود. اما اکنون مدتی است که در پیشروترین محافل کارگری و کمونیستها در ایران خواست ۳۵ ساعت کار در هفته مطرح است و این بی‌شک تحت تاثیر مستقیم پیشرویهایی است که کارگران اروپا در کاهش ساعت کار داشته‌اند. واقعیت اینست که پیشرفتهای شگرف

مثلاً کاهش حتی یکساعت کار در هفته - بهتر از شعارهایی است که همین اینک عملی نیست. نمی‌تواند جوابی به سوال بالا باشد. چرا که اینرا عیناً در مورد ۴۰ ساعت کار هم می‌توان گفت. ۴۰ ساعت کار را اکنون همه کارگران ایران می‌خواهند. اما آنها اینرا می‌دانند که این شعار لاقابل با توازن قوای فعلی شدنی نیست

**در اولین نماز جمعه پس از آتش بس موسوی اردبیلی یکی از عظیم‌الجثه ترین آخوندهای رژیم، عربده کشان به کارگران گفت: "حالا فکر نکنید جنگ تمام شده و ۴۰ ساعت کار و یک شکم سیر بخواهید"**

تولیدی بشر امکان کاهش ساعت کار را به ۳۵ ساعت و کمتر از آن فراهم کرده است و آنچه که مانع تحقق آن می‌شود تنها سودجویی بورژوازی است. جنبش ۳۵ ساعت کار بویژه در آلمان نشان داده است که دیگر حنای ترساندن کارگران از پائین آمدن ساعت کار هفتگی، رنگی ندارد. همچنانکه کارگران انگلستان در یک و نیم قرن پیش با کاهش ساعت کار به ۱۰ ساعت اینرا اثبات کرده بودند. در ایران امروز چند میلیون بیکار وجود دارد که عملاً دستشان از تولید ثروت کوتاه است. حتماً اگر فرض کنیم سطح تکنولوژی در ایران ثابت بماند - که فرض آشکارا غلطی است - می‌توان با بیکار گماردن بیکاران ساعت کار عمومی را به حدود نصف رساند بدون آنکه تولید ثروت تغییری بکند. اکنون زمان آنست که خواست ۳۵ ساعت کار در هفته از محدوده محافل کمونیستها و کارگران پیشرو، و از حالت یک "تمایل و سمپاتی" بیرون بیاید و به یک شعار جدی جنبش کارگری تبدیل شود. همچنانکه ۴۰ ساعت کار اکنون چنین است. باید نیروی خود را صرف گردآوری قوا برای ۳۵ ساعت کار کرد و اطمینان داشت که در این حال قدرت کارگران برای پیشرویهایی عملی و مثلاً برقراری فوری ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته افزایش خواهد یافت. در آستانه اول مه، که سنتا کاهش ساعت کار یک شعار اصلی آن بوده است باید کارگران را به این شعار فرا خواند: **زنده باد ۳۵ ساعت کار!**



و برای تحقق آن یک قدرت مشکل و وسیع طبقه کارگر لازم است. خوب اگر باید این قدرت فراهم شود پس چه دلیلی دارد که ما به ۴۰ ساعت کار اکتفا کنیم؟ ممکن است گفته شود به این دلیل که ۳۵ ساعت کار "ذهنی و

## زنده باد ۳۵ ساعت کار در هفته

تکنولوژی بویژه در ۱۰ - ۱۵ سال گذشته و همچنین جنبش ۳۵ ساعت کار و ۳۰ ساعت کار، ممکن بودن و عملی بودن، کاهش ساعت کار و تحمیل آن به بورژوازی را به همه کارگران جهان نشان داده است. کارگران ایران هم از این تحولات تاثیر گرفته‌اند و باید بسیار بیش از این بگیرند. همانطور که برای مثال، مدیریت نوع زاینی الگوی کارفرماهای ایران قرار می‌گیرد، پیشرویهایی کارگران آلمان نیز سرمشق کارگران ایران می‌شود. بنابراین این سوال

**چه دلیلی دارد که کارگران ایران روی مطالبات ده سال پیش خود در جا بزنند و به ۴۰ ساعت کار در هفته بعنوان شعار مبارزه برای کاهش ساعت کار اکتفا کنند؟**

جدی مطرح است که چه دلیلی دارد که کارگران ایران روی مطالبات ده سال پیش خود در جا بزنند و به ۴۰ ساعت کار در هفته بعنوان شعار مبارزه برای کاهش ساعت کار اکتفا کنند؟ این پاسخ که "یک پیشروی عملی -

بر سر ساعات کار یک عرصه پر کشاکش بوده است. اعتصاب وسیع ۱۲ هزار کارگر کفش ملی در خرداد ۶۶ در دفاع از روزگار ۸ ساعته، تنها نمونه برجسته از دهها مورد مشابه بود.

با وجود همه تلاشهای جمهوری اسلامی و کارفرمایان، کارگران در مبارزه بر سر ساعت کار هنوز بمراتب جلوتر از زمان شاه ایستاده‌اند. این واقعیت که قانون کار جاری - قانون کار مصوب زمان شاه بر ۴۸ ساعت کار و یک روز تعطیل در هفته تاکید

دارد، اما در بسیاری از کارخانه‌های بزرگ ساعت کار رسمی ۴۴ ساعت در هفته با تعطیلی (گاه یک در میان) پنجشنبه‌هاست، این ادعا را ثابت می‌کند. بعلاوه در جدی بودن جنبش کارگری در مبارزه برای ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیلی در هفته همان

مصطفی صابر  
۲۷ مارس ۹۰

از آنوقتی که شوراهای کارگری ۴۰ ساعت کار در هفته را در بسیاری از کارخانها و مراکز تولید برقرار کرده بودند، بیش از ۱۰ سال می‌گذرد. ۴۰ ساعت کار در هفته در ایران دیری نپایید. چندانکه جمهوری اسلامی توانست جای پای خود را محکم کند و اختناق و سرکوب کامل برقرار کند، شوراهای کارگری درهم کوبیده شد و بسیاری از حقوقی که کارگران به قدرت خود بدست آورده بودند، از جمله ۴۰ ساعت کار، از آنها بازپس گرفته شد. اما مبارزه بر سر کاهش ساعت کار متوقف نشد و بعد از قتل عام و کشتارهای تاپستان ۶۰ مانند همه عرصه‌های مبارزه کارگری وارد مرحله تازه‌ای شد، مرحله‌ای که کارگران مجبور بودند از پیشروی بسمت خواستهای انقلابی خود، به دفاع در برابر تهاجم دولت اسلامی سرمایه‌داران بایستند. در تمام این سالها مبارزه

## یادداشت سر دیر:

### نشریه کارگر امروز چگونه متولد شد

اولین روزهای بهمن ماه ۶۸ بود. در کمیته تشکیلاتی محلی حزب بحثهایی درباره فعالیت کارگری حزب در خارج کشور جریان داشت. در حول و حوش همین مباحث منصور حکمت گفت چه طور است که خودت یک نشریه کارگری منتشر کنی. در آن وقت بین ما جملات اندکی رد و بدل شد اما برای آنکه من تصمیم خودم را بگیرم کافی بود.

به انتشار یک نشریه کارگری سالها بود فکر می کردم. هر از چند گاهی این اندیشه فعال می شد و خودی نشان می داد و پس از حک و اصلاح دوباره به پس ذهنم رانده می شد تا چندی بعد دوباره سرکشی کند. اینکه چنین نشریه‌ای باید در ایران منتشر شود اجازه خودنمایی بیشتری به این فکر نمی داد. تصویر چنین نشریه‌ای در ذهنم چنان با انتشارش در ایران عجین بود که قادر نبودم آنها را از

هم جدا کنم. آن گفتگوی کوتاه این دو را از هم جدا ساخت و اجازه داد نشریه در خارج ایران بدنیا بیاید و در میان کسانی که نه زبان مشترکی دارند و نه میهنی بلولد، زندگی کند و بزرگ شود.

بعد از این ماجرا نشریه گام در راه آشنایی گذاشت. سرعت آماده شدن و انتشار نشریه برای بعضی که از

و اصلاح با کمک همان عزیزانی که این نشریه تولد خود را مدیون اوست سرعت شروع و به اتمام رسید. او بیشتر از همکار نشریه است. او بود که بند ناف انتشار این نشریه را از ایران قطع کرد تا در میان کسانی که همانند خود نشریه میهنی ندارند زندگی کند. در قدم اول با دو صفحه

انگلیسی یک همزبانی را آغاز و سپس بیاموزد که بگونه‌ای مشکل زبان خود را حل کند. او همچنین به بقاء و تربیت این نوزاد کمک می کند. برایش می نویسد و وجدان آگاه نشریه است که راه خود را کم نکند.

اینکه سرنوشت این نوزاد چه می شود و در جنبش بی میهنان چه نقشی بازی می کند معلوم نیست.

### نشریه کارگر امروز آرزو دارد خوانندگان خود را با نگرشی سوسیالیستی به دنیای کارگران ببرد و در جریان وجوه گوناگون زندگی، کار، مبارزه و تشکل کارگران قرار دهد

اینجا می شود چند جمله‌ای از سر خط آرزوهایش گفت:

نشریه "کارگر امروز" آرزو دارد خوانندگان خود را با نگرشی سوسیالیستی به دنیای کارگران ببرد و در جریان وجوه گوناگون زندگی، کار، مبارزه و تشکل کارگران قرار دهد.

تجدید شاهد آن بودند. عجب آوری می نمود. اینها از فکری که سالها روی این نشریه کرده بودم باخبر نبودند. اطلاع نداشتند که در نظرم همه چیز آن، جز امکانات فنی و مالی، حاضر و آماده بود و فقط احتیاج به حک و اصلاح داشت. حک

انتشار نشریه "کارگر امروز" مستقل از فعالیت و وظایف حزبی‌ام است که بدوش دارم. این نشریه ارگان حزبی نیست، هر چند هر دو

### در میان انبوه نشریات فارسی زبانی که در خارج کشور منتشر می شود جای "کارگر امروز" بگونه‌ای خالی بود که تولدش جای دیگران را تنگ نخواهد کرد

آرمانهای مشترکی دارند. در چاپ مطالب دستش باز است و همکاران و نویسندگانش محدود به رفقای حزبی نیست. "کارگر امروز" از آنها که خود را متعلق به جنبش سوسیالیستی کارگری می دانند انتظار دارد حمایت خود را از آن دریغ ندارند و به طرق مختلف برای بقایش فعالیت کنند.

"کارگر امروز" برای آغاز کار دست همکاری بسوی تعدادی از رفقای که به نوعی می شناخت دراز کرد. اکثر قبول کردند و قول همکاری دادند. بسیاری از آنها را با امضایی که پای مطالبشان می گذارند خواهیم شناخت. بقیه در فرصتی دیگر معرفی خواهند شد. نشریه برای ادامه کار احتیاج به همکاران، نویسندگان، گزارشگران و توزیع کنندگان بیشتری دارد. این را دعوتی عام تلقی کنید و به جمع همکاران نشریه "کارگر امروز" بپیوندید. ■

آنان را درج کند. نقطه نظرات فعالین جنبش کارگری را پیرامون مسائل کارگران منتشر سازد. شخصیت ها و رهبران جنبش کارگری را معرفی کند و بشناساند. معضلاتی را که جنبش کارگری با آنها روبروست طرح و حتی المقدور از طریق بحث آزاد مورد بررسی قرار دهد. به مسائل کارگران ایرانی در خارج کشور بپردازد. فعالیتهای کارگران ایرانی در خارج کشور را منعکس کند. سیاستها و قوانین رژیم اسلامی را در قبال کارگران درج کند. برای انعکاس وضع کارگران ایران نزد غیر فارسی زبانان در آغاز دو صفحه خود را به زبان انگلیسی منتشر کند.

در میان انبوه نشریات فارسی زبانی که در خارج کشور منتشر می شود جای نشریه "کارگر امروز" بگونه‌ای خالی بود که تولدش جای دیگران را تنگ نخواهد کرد.

## مبارزه برای کاهش ساعت کار در انگلستان



اعتصاب کارگران "ارو اسپیس" انگلستان

اعلام کرد که این پیروزی بدون هیچ قید و شرطی بدست آمده است. □

### ۳۷ ساعت کار از آغاز سال ۱۹۹۲

بدنبال اعتصاب کارگران کارخانه ان.ای.آی - پارسون، اتحادیه کارفرمایان این کارخانه با کاهش ساعت کار به ۳۷ ساعت و اجرای آن از سال ۱۹۹۲ موافقت کرد. کارخانه ان.ای.آی - پارسون یکی از مجموعه کارخانه‌های وابسته به رولزرویس است. □

### کاهش ساعت کار کارگران هواپیما سازی ارو اسپیس

کارگران بریتیش ارو اسپیس پس از ۱۸ هفته اعتصاب موفق شدند تا ساعت کار را از ۳۸ ساعت و از سال آینده به ۳۷ ساعت کاهش دهند. مطالبه ۸۰۰۰ کارگر اعتصابی، کاهش ساعت کار به ۳۶ ساعت در هفته و ۲۲ درصد افزایش دستمزد بود. کارگران با وجودیکه به تمام مطالباتشان دست نیافتند با توافقات اتحادیه و مدیریت به سر کار بازگشتند. □

شرکت قصد دارد شدت و بهره‌وری کار را در خط تولید افزایش دهد و ۹ روز متوالی کار را در هر ۱۲ روز به کارگران تحمیل کند.

تاکنون شرکتهای ژاپنی بیشترین مخالفت را با کاهش ساعت کار هفتگی داشته‌اند. با توجه به اینکه ۱۰۰ کمپانی بزرگ ژاپنی در بریتانیا سرمایه‌گذاری کرده و صاحب کارخانه هستند، عقب نشینی مدیریت کوماتسو، یک پیشروی برای کمپین کاهش ساعت کار هفتگی در بریتانیا است. □

### ۳۷ ساعت کار هفتگی برای بیست هزار کارگر اسکراب متال

در ادامه کمپین مبارزه برای کاهش ساعت کار، بیست هزار کارگر مجتمع اسکراب متال موفق شدند ساعت کار را تا ۳۷ ساعت کاهش دهند.

مجتمع کارگران اسکراب متال از ۴۰۰ کمپانی بزرگ در سراسر انگلستان، تشکیل شده است و مجموعاً ۲۰ هزار کارگر دارد. مطالبه کاهش ساعت کار از مدت‌ها پیش مورد مذاکره اتحادیه و مدیریت این مجتمع بود و سرانجام به پیروزی کارگران منجر شد. نماینده اتحادیه کارگران این مجتمع

کارگران شرکت هواپیماسازی مجتمع رور پس از ۱۸ هفته اعتصاب موفق شدند ساعت کار هفتگی را به ۳۷ ساعت در هفته کاهش دهند. کارگران این کارخانه چند سال قبل با مبارزه‌ای مشابه ساعت کار را از ۴۰ ساعت به ۳۹ ساعت کاهش داده بودند. این اعتصابات که خواست ۳۶ ساعت کار در هفته را داشت منجر به انعقاد قراردادی ما بین اتحادیه کارگران و مدیریت شد که ساعت کار از امسال به ۳۸ ساعت و از سال آینده به ۳۷ ساعت کاهش یابد. □

این راهها عمل کند تا انشاءالله کارگران کمتر دچار صدمه گردند.

۱- با ضمانت کافی از مسئولین کشور بنیه بن کارگری را محکم و بخشی از حقوق کارگر از سیر شتابان قیمت‌ها محافظت نماید. که این امر مستلزم اختصاص بودجه ارزی لازم و تحویل به قوه کالاها خواهد بود.

۲- وضعیت فعلی یعنی افزودن مقدار مختصری بر مزدها را ادامه دهد که سال آینده باید مسئولیت سنگین عواقب تنشهای بزرگ کارگری را پذیرا باشد.

۳- مزد را همچون سیر قیمت‌ها شناور اعلام کرده و برابر میزان افزایش قیمت کالاها هر کارخانه دستمزد کارگران آن کارخانه نیز افزایش یافته و یا حداقل ۲ و ۳ مقطع افزایش برای نزدیک کردن سطح دستمزدها به سیر گریزان قیمت‌ها اتخاذ بنمایند. ■

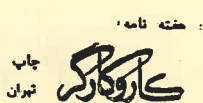
کارخانجات را که متأسفانه هر روز چنین بنظر میرسد که مسئولین اقتصادی کشور تصمیم گرفته‌اند سیاست توسعه و رشد توأم با تورم را در پیش گیرند و بر این اساس به همه فاکتورهای اقتصادی اجازه افزایش داده‌اند. این متأسفانه بنظر میرسد عامل دستمزد در این میانه باید ثابت در نظر گرفته شده باشد.

اگر چنین امری صحت داشته باشد باید طبیعتاً مانند کشورهای هم‌چون ترکیه و یوگسلاوی که اینراه را به عنوان مشی اقتصادی خود بکار گرفته‌اند، عامل دستمزدها نیز شناور اعلام گردید و یا هر ساله حداقل چند بار افزایش دستمزد صورت پذیرد تا آهنگ شتابان قیمت‌ها با سیر دستمزدها رابطه حقوقی داشته باشد. بهرحال شورایی عالی کار سه راه بیشتر در پیش ندارد که باید به یکی از

مرکز خبری کارگر امروز: از اکتبر سال گذشته کارگران بریتانیا برای کاهش ساعات کار هفتگی، اعتصابات متعددی کرده‌اند. گرچه خواست اصلی کارگران در برخی از این اعتصابات حتی ۳۶ ساعت کار در هفته بوده است اما در اغلب اعتصابات کارگران موفق شده‌اند ساعت کار را تا ۳۷ ساعت کاهش دهند.

### کارگران رور و مطالبه ۳۶ ساعت کار هفتگی

ادامه از صفحه ۳



### درباره افزایش دستمزد

جای کزاف بیکاری شدید ۲۰٪ تا ۳۰٪ از کارگران که بین ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار نفر حدس زده میشوند را بپذیرد. و اگر با این استدلال چیزی بر حداقل دستمزد بیافزایند، چگونه پاسخ این فاصله و شکاف عمیق را باید پاسخ گفت. بهرحال پرسش سخنی است که باید جوابگویی به آن هر چه زودتر یعنی تا پایان اسفندماه سال جاری یعنی موعدی که کارگران چشم انتظار آند، تعیین وضعیت گردد. بر این مجموعه باید افزایش سریع و وسیع قیمت کالاها تولیدی



طی خونین ترین اعتصاب آفریقای جنوبی ۳۰ تن از اعضای اتحادیه کارگران راه آهن کشته و صدها تن مجروح شدند

## اعتصاب خونین کارگران راه آهن آفریقای جنوبی پایان یافت

مرکز خبری کارگزار امروز: روز ۳۱ ژانویه، کارگران راه آهن آفریقای جنوبی پس از ۳ ماه اعتصاب به سر کار بازگشتند. اعتصاب کارگران در اعتراض به موج اخراجها و با مطالبه افزایش دستمزد معادل ۹۰۰ راند به حداقل دستمزدشان (۶۰۰ راند) آغاز شد. اتحادیه کارگران اعتصابی در طی مذاکرات موفق شد تا قراردادی را مبنی بر برسمیت شناسی اتحادیه و همچنین استخدام مجدد ۲۳۰۰۰ کارگر که طی اعتصاب اخراج شده بودند را بدست آورد و کارگران طبق همان شرایط سابق و بدون افزایش دستمزد به سر کار بازگشتند.

طبق گزارش اینترنشنال لیبر ریپورتز اعتصاب کارگران راه آهن در اعتراض به اخراجهای وسیع تحت بهانه عدم دیسپلین کاری شروع شد. رهبر اتحادیه اعتصابیون این اخراجها را بهانه‌ای برای اجرای سیاست پنهان

مدیریت راه آهن در کاهش نیروی کار بمنظور طرح خصوصی کردن راه آهن - که قرار بود در ماه آوریل به اجرا درآید - اعلام کرد.

بنا به این گزارش در طی اعتصاب، کارفرمایان کارگران اعتصاب شکن را که اعضای اتحادیه تحت کنترل مدیریت بودند مسلح کردند و به کارخانه فرستادند. چاقوآوران مدیریت نیز مرتبا با اسلحه به کارگران اعتصابی حمله کردند که طی این درگیریها تعداد زیادی از کارگران اعتصابی توسط چاقوآوران مدیریت به قتل رسیدند. مشخصا در نهم ژانویه زمانی که کارگران عازم جلسه اتحادیه اعتصابیون بودند، مزدوران ۷ کارگر را کشتند و ۷۰ تن را مجروح کردند. طبق اظهارات کارگران اعتصابی، در طی این درگیری مأموران پلیس نه تنها دخالت نکردند بلکه اعتصاب شکنان و مزدوران را به ضرب و جرح و کشتار کارگران تشویق نیز کردند. در این اعتصاب خونین مجموعا ۳۰ کارگر کشته و صدها تن زخمی شدند. ■

## کارگران نفت و گاز تیومن، دولت شوروی را تهدید به اعتصاب کردند

امید که فردا همه چیز تغییر خواهد کرد، بهتر خواهد شد و ما خودمان زمام امور را بدست خواهیم گرفت ادامه بدیم." وی گفت "در هر ثانیه ۱۲ تن نفت در منطقه تیومن استخراج می شود. هر روز از این منطقه بر اساس قیمت‌های بازار جهانی ۱۲۰ میلیون دلار بدست می آید" اما "در اتحادیه ما به تنهایی ۲۰۰ هزار نفر در خانه هایی پائین تر از حداقل استاندارد مسکن مناسب زندگی می کنند. از هر ۵ نفر یک نفر از خدمات درمانی بی بهره است. بچه ها در مدارس سه شیفته درس می خوانند که حداکثر میزان مجاز دو

مرکز خبری کارگزار امروز: رهبر کمیته اتحادیه کارگران نفت و گاز منطقه تیومن در سبیری که ۷۰۰ هزار عضو دارد، طی نامه‌ای به ریشکف و همچنین شالایف رئیس شورای اتحادیه های کارگری سراسر شوروی، تهدید کرد چنانچه دولت تا اول آوریل به مطالباتشان رسیدگی نکند دست به اعتصاب خواهند زد.

کارگران تیومن ۶۰ درصد کل نفت و گاز شوروی را تولید می کنند. به گزارش مسکو نیوز، دبیر کل اتحادیه کارگران تیومن گفت "ما نمی توانیم به این زندگی بدون این

شفیت است" از سوی دیگر معاون شورای وزیران شوروی طی مصاحبه‌ای با مسکو نیوز گفت "مسکو از مشکلات کارگران نفت سبیری با خبر است و مطالبات آنها را بی جواب نخواهد گذاشت". وی در پاسخی پیرامون تهدید کارگران به اعتصاب گفت "با وجود دشواری موقعیت، اعتصاب نخواهد شد". بنا به همین گزارش شورای اتحادیه های کارگری سراسری شوروی اعلام کرده است چنانچه دولت به کارگران جواب منفی بدهد این شورا از اعتصاب کارگران نفت و ذغال در سبیری غربی پشتیبانی خواهد کرد. ■

## کارگران اتوموبیل سازی فورد مکزیک پس از ۶ هفته اعتصاب به سر کار بازگشتند

باشد و موقعیتش به رسمیت شناخته شود.

بنا به همین گزارش در پانزدهم فوریه کارگران اعتصابی با پذیرش بی قید و شرط بازگشت به کار تمام کارگران و با قول مذاکره بر سر سایر مطالبات، بسر کار بازگشتند. بعد از چند روز سخنگوی کمپانی فورد توافق قبلی را زیر پا گذاشت و اعلام کرد، موضوع بازگشت به کار کارگران مجددا بررسی خواهد شد. کارگران در اعتراض به این مسئله و علیرغم تمایل رهبری اتحادیه کارگران فورد که خواهان مذاکره بود، فراخوان به تظاهرات در مکزیکوسیتی دادند. با این فراخوان، بیش از ۵۰۰۰ کارگر اخراجی کارخانه آپجوسازی مکزیکوسیتی که از چندی قبل اعتراضات وسیعی را علیه مدیریت و سیاست بهی کار سازی آن آغاز کرده بودند با بیش از ۳۵۰۰ کارگر کارخانه فورد مشترکا دست به تظاهرات زدند. ■

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران کارخانه اتوموبیل سازی فورد در مکزیکوسیتی پس از ۶ هفته اعتصاب و هنگامیکه در جریان حمله مزدوران کمپانی به اعتصابیون، چند کارگر کشته و زخمی شدند و رهبرشان به مرگ تهدید شد حاضر به مذاکره شدند و بسر کار بازگشتند و پس از آنکه مدیریت توافقات خود با کارگران را زیر پا گذاشت، همراه با کارگران اخراجی کارخانه آپجوسازی مکزیکوسیتی مشترکا دست به تظاهرات زدند.

به گزارش تایمز مالی ۳۸۰۰ کارگر کارخانه اتوموبیل سازی فورد در مکزیکوسیتی در اعتراض به سیاست مدیریت مبنی بر کاهش سطح دستمزد و مزایای سال نو میلادی، در اواخر دسامبر سال گذشته دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران پس از ۶ هفته و در طی مذاکرات متعددی با

مدیریت پایان یافت. در آخرین دور مذاکرات مدیریت با خواست بازگشت به کار بی قید و شرط ۳۸۰۰ کارگر اعتصابی موافقت کرد.

به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیٹ" اعتصاب کارگران در هشتم ژانویه مورد حمله عده‌ای مزدور قرار گرفت که در جریان آن یک کارگر کشته و چندین نفر زخمی شدند. پس از این واقعه مذاکره بین اتحادیه و مدیریت آغاز شد و کارگران شرایط بازگشت به کار خود را چنین اعلام کردند:

- ۱ - مدیریت کتبا باید امنیت جانی کارگران را ضمانت کند.
- ۲ - پلیس امنیتی کارخانه را ترک کند.
- ۳ - تمامی کارگران بدون قید و شرط به سرکار برگردند.
- ۴ - راتول اسکوپار رهبر کارگران که تهدید به مرگ شده بود، در امان

## همبستگی کارگران بارانداز در خودداری از تخلیه قهوه سالوادور

از طریق صادرات قهوه بدست می‌آورد. تحریم قهوه سالوادور توسط کارگران تاکنون خسارات جدی‌ای به دولت سالوادور وارد کرده است. به گزارش لیبر نتز روز ۹ فوریه زمانیکه کشتی حامل ۴۰ تن قهوه سالوادور به سانفرانسیسکو رسید کارگران عضو اتحادیه بین‌المللی باراندازان و کارگران انبار از خالی کردن آن خودداری کردند. کشتی حامل قهوه در روز ۱۳ فوریه به "ون کور" رسید که کارگران آنجا نیز بار را خالی نکردند و این اقدام در ۱۴ فوریه در "سیاتل" و ۱۷ فوریه در لس آنجلس، تکرار شد. این کشتی که حامل قهوه تحریم شده سالوادور بود بناچار بدون تخلیه بار به سالوادور بازگشت. به گفته سازماندهان این تحریم کمپانیهای اصلی تولید قهوه، پس از تحریم کارگران از فرستادن کشتیها به ساحل غربی آمریکا خودداری کرده‌اند زیرا هر کشتی که بدون تخلیه بار بازگردد روزانه ۲۵۰۰۰ دلار ضرر به همراه دارد.

بنا به آمار لیبر نتز، در دو ماه گذشته، ۲۵۰۰ نفر توسط نیروهای مسلح به قتل رسیده‌اند که اکثریت آنها کارگران کشاورزی و فعالین اتحادیه‌ای بوده‌اند. ■

## اعتصاب ۶۵۰۰۰ کارگر کشاورزی در مالزی با موفقیت پایان یافت

مرکز خبری کارگزار امروز: در ژانویه امسال بیش از ۶۵۰۰۰ کارگر کشاورزی بخش کالوچو در منطقه "پراک" مالزی برای "دستمزد ثابت ماهیانه" اعتصاب نامحدود خود را برای لغو پرداخت دستمزد بر اساس قطعه کاری و افزایش دستمزد آغاز کردند.

به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیٹ" اعتصاب در سی و یکم ژانویه و با فراخوان اتحادیه سراسری کارگران کشاورزی آغاز شد. بدنبال مخالفت اتحادیه کارفرماها با خواست کارگران هر دو اتحادیه خواستار دخالت دولت شدند. دولت مالزی موضوع را به دادگاه کار احواله داد و آن نیز با صدور حکمی مبنی بر بازگشت کارگران اعتصابی بسر کار، تا پنجم فوریه به کارگران مهلت داد تا به اعتصاب خاتمه دهند. بعد از حکم دادگاه، رهبر اتحادیه سراسری کارگران اظهار داشت: "اگر چه این خنجر از پشت است اما ما حرف قانون را می پذیریم و به اعتصاب خاتمه می دهیم." اما علیرغم تصمیم اتحادیه و با وجود غیر قانونی بودن اعتصاب و خطر دستگیری برای کارگران اعتصابی، بیش از ۳۰۰۰ تن از کارگران به اعتصاب ادامه دادند.

به گزارش تایمز مالی در نهم فوریه، اتحادیه کارفرماها با مطالبه دستمزد ثابت ماهیانه کارگران موافق کرد و بدنبال آن دور تازه‌ای از مذاکره بین اتحادیه کارفرماها و اتحادیه کارگران بر سر تعیین میزان دستمزد آغاز شد. ■

## کارگران فلزکار آلمان، ۳۵ ساعت کار و افزایش دستمزد

مرکز خبری کارگزار امروز: بزرگترین اتحادیه کارگری آلمان که دو و نیم میلیون عضو دارد و از سال ۱۹۸۴ پرچمدار مبارزه برای ۳۵ ساعت کار در هفته بوده است در مذاکرات خود با کارفرماها مطالبه ۳۵ ساعت کار در هفته را موقتا و به نفع ۹ درصد افزایش دستمزد و ۳۷ ساعت کار در هفته کنار خواهد گذاشت.

به گزارش تایمز مالی سخنگوی اتحادیه کارگران فلزکار آلمان در چهارم مارس اعلام کرد، مطالبه ۳۵ ساعت کار را موقتا کنار خواهند گذاشت. به گفته وی اتحادیه معتقد است که در درجه اول باید دستمزدها افزایش یابند و سپس ۳۵ ساعت کار در هفته مطرح شود. او گفت "هر چه ۳۵ ساعت کار در هفته دیرتر متحقق شود، دستمزدها باید بیشتر افزایش یابند."

بنا به همین گزارش اتحادیه کارگران فلز کار آلمان امسال مطالبات ۹٪ افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار هفتگی به ۳۷ ساعت را مطرح ساخته است و تهدید کرده چنانچه کارفرماها به این خواست جواب مثبت ندهند کارگران فلزکار در سراسر آلمان دست به اعتصاب خواهند زد.

به گزارش اینترنشنال لیبر ریپورت، نمایندگان اتحادیه در پایان سال میلادی گذشته، اعلام کرده بودند که خواست آنها برای سال آینده ۹ درصد افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار هفتگی به ۳۵ ساعت است اما در طی یک دور از مذاکرات، اتحادیه کارفرماها در بخش فرانکفورت پیشنهاد پنج و نیم درصد افزایش دستمزد را داده است و کاهش ساعت کار به ۳۵ ساعت در هفته را به سال ۱۹۹۲ موکول کرده است. ■

## اتحادیه کارگری جدیدی در مکزیک تشکیل شد

مرکز خبری کارگزار امروز: بیش از ۱۲۱ سازمان و تشکل کارگری در مکزیک اتحادیه جدیدی ایجاد کردند. این اتحادیه بمنظور مقابله با سیاستهای "کنفدراسیون کارگران مکزیک" که سازمانی کاملاً وابسته به حزب حاکم است تشکیل شد و اهداف خود را مبارزه برای احقاق حقوق قانونی کارگران بویژه حق اعتصاب و حق انعقاد قرار داد دسته جمعی گذاشته است. بنا به گزارش تایمز مالی اقدامات دولت مکزیک در زیر پا گذاشتن حقوق قانونی کارگران به منظور جلب سرمایه‌گذاران خارجی موجب اعتراضات

## اولین کنفرانس کارگران راه آهن اروپا: فقط دو سال به اروپای واحد مانده و کارگران هم باید متحد شوند

دوم ژانویه امسال به فراخوان مجله "آن کورا مارسیا" اولین کنفرانس کارگران راه آهن اروپا که نمایندگان از کارگران راه آهن ایتالیا، آلمان، فرانسه و انگلستان در آن حضور داشتند در فلورانس ایتالیا برگزار شد. به گزارش مجله "آن کورا مارسیا" که در بین کارگران راه آهن ایتالیا نفوذ وسیعی دارد، کنفرانس طرح ضد کارگری "هدایت یکنفره قطار" را که دولت ایتالیا درصدد اجرای آن است

اعلام ورشکستگی خود، ۴ هزار کارگر را در انگلستان و ایرلند بیکار کرد. با اعلام ورشکستگی، اموال کارخانه توسط دولت ضبط میگردد تا قرضهای کارخانه پرداخت شود. مدیریت کارخانه رییس پانس که از چند ماه قبل از اعلام ورشکستگی اخراج کارگران را آغاز کرده بود، با این اقدام به یکباره تمامی کارگران را بیکار کرد تا متحمل هزینه‌ای نشود. مشاورین حقوقی مدیریت کارخانه اعلام کردند که بعد از "حل و فصل" این مساله، این کارخانه مجدداً شروع به کار خواهد کرد.

## کنفدراسیون مستقل و سراسری کارگران کره جنوبی تشکیل شد

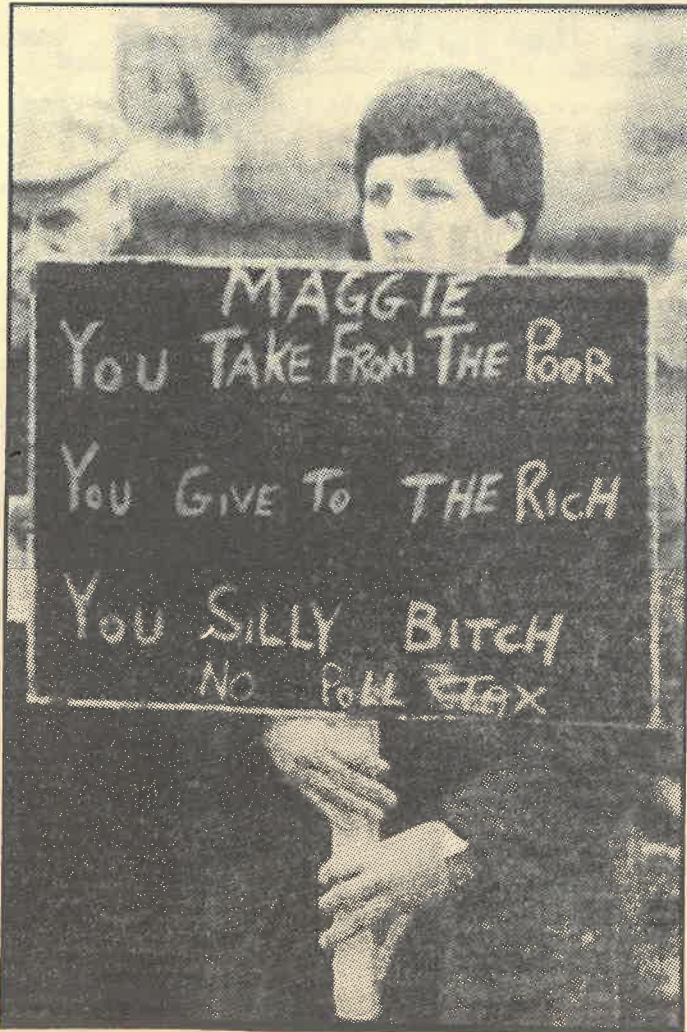
وجود دارد. این اقدامات منجر به دستگیری رهبران و فعالین اتحادیه‌های مستقل کارگری و چپاول دفاتر آنها شد. در اوائل ژانویه امسال نیز دادستانی کره جنوبی حکم دستگیری رهبر کنفدراسیون منجو را صادر کرد. از جمله اقداماتی که منجو در دستور کار خود قرار داده است هماهنگ کردن جنبش مطالبه افزایش دستمزدهاست که در بهار امسال آغاز خواهد شد. به گفته رهبران "منجو" خواست افزایش دستمزدها یکی از مطالبات آنان است و در کنار این مطالبه آنان در صدند تا مطالبات سیاسی و اجتماعی مهم و اساسی دیگری را نیز به کارفرماها و دولت تحمیل کنند.

## در بزرگترین تظاهرات مردم بریتانیا در دهه اخیر:

۲۰۰ هزار نفر در لندن و ۴۵ هزار نفر در گلاسکو علیه سیاست

مالیاتی محلی دست به تظاهرات زدند

● ۱۳۰ نفر از تظاره‌کنندگان مجروح و ۳۴۰ نفر دستگیر شدند



مرکز خبری کارگزار امروز: بزرگترین و بی سابقه‌ترین تظاهرات دهه اخیر در بریتانیا، یکروز قبل از به اجرا درآمدن سیاست مالیاتی دولت انگلستان، در لندن برگزار شد. این تظاهرات که بدنال کمپین چند ماهه و وسیع "ضد پرداخت مالیات" صورت گرفت از طرف پلیس به خشونت کشیده شد و در نتیجه آن ۱۳۰ نفر از مردم زخمی و ۳۴۰ نفر به جرم ایجاد اغتشاش دستگیر شدند. دولت تاجر که خود خشن ترن حملات را به سطح معیشت کارگران کرده است کوشید تا مسئله خشونت در تظاهرات را به بهانه‌ای برای تحت‌الشعاع قرار دادن اجرای سیاست مالیاتی تبدیل کند.

برنامه‌ریزی برای تظاهرات ۳۱ مارس از ماه نوامبر آغاز شده بود. "کنفدراسیون ضد مالیات در سراسر بریتانیا" متشکل از سازمانها، گروهها، تشکلهای کارگری و انجمنهای مخالف پرداخت مالیات، کمپین تبلیغاتی عظیمی را علیه پرداخت مالیات سازمان داده بود. به گفته میلیتنت، در اسکاتلند که از سال گذشته سیاست مالیاتی دولت به اجرا در آمده است بیش از یک میلیون نفر از پرداخت مالیات خودداری کردند و نظر سنجیها نشان میدهد که در انگلستان و ولز نیز بیش از ۱۰ میلیون نفر مالیات نخواهند پرداخت.

طبق گزارش ایندیپندنت، تظاهرات عظیم روز ۳۱ مارس و شرکت وسیع مردم نتیجه تبلیغ و ترویج چند ماهه گروهها و سازمانهای مخالف مالیات بود. طبق تقسیم کار "کنفدراسیون ضد مالیات در سراسر بریتانیا" هر گروه و

سازمان وظیفه داشت تا بودجه کمپین و ترانسپورت مدعوین در تظاهرات را که اغلب با تبلیغ خانه به خانه فعالین کمپین بسیج شده بودند، تامین کند. این بودجهها اکثراً در آکسیونها و با کمک مالی وسیع مردم تامین شده بود. در روز تظاهرات ۶۵۰ اتوبوس مردم را از نقاط مختلف انگلستان به محل تظاهرات رساندند. با وجود اینکه مسئله خشونت پلیس، سیاست مالیاتی را موقتاً تحت‌الشعاع

دستمزد بیشتر برای شیفت کار شبانه و مجانی شدن خدمات درمانی و پزشکی صورت گرفت. اغلب اعتصابات در طی مذاکرات و با قول

مدیریت بر اجرای خواست کارگران پایان یافت اما کارگران تهدید کردند که در صورت لزوم مجدداً اعتصاب خواهند کرد.

## کنفدراسیون مستقل و سراسری کارگران کره جنوبی

افتتاحیه متذکر شد که هر چند این اتحادیه در شرایط کنونی صرفاً دربرگیرنده بخشی از کارگران کره جنوبی است ولی "تمام تلاش خود را بکار خواهد بست تا مطالبات تمام ۲۵ میلیون کارگر کره‌ای را نمایندگی کرده و حقوق آنان را تضمین کند و بهبود موقعیت اجتماعی و اقتصادی کارگران و آزادیهای دموکراتیک را هدف خود قرار دهد". بنا به همین گزارش کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های مستقل کارگران جایگزین "کنفرانس ملی جنبش کارگری" شد که طی دهه ۸۰ اساساً با اتکا به تجمعات مختلف محلی کارگری پا گرفته بود. ایجاد این کنفدراسیون موقعیت کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره را

## آزادی اعتصاب در موزامبیک

مرکز خبری کارگزار امروز: بدنال اوج گیری اعتصابات کارگری، حزب حاکم در موزامبیک حق اعتصاب را در طرح جدید قانون اساسی کشور وارد کرد. رئیس کشور موزامبیک اعلام کرد که "ما مخالف اعتصابات نیستیم اما این اعتصابات نباید علیه منافع ملی باشند". بنا به گزارش اینترنشنال لیبر ریپورت، کارگران فلکار، راه آهن، صنایع شیشه سازی و نساجی و همچنین پرستاران و کارگران بیمارستانها در اعتصابات اخیر شرکت داشتند. اعتصاب کارگران راه آهن که بمدت دو روز شبکه راه آهن شهر مایوتو را به حالت تعطیل درآورد با پرداخت دستمزدهای به تعویق افتاده کارگران از سال ۱۹۸۷، خاتمه یافت. اعتصاب پرستاران بمدت ۲۴ ساعت و برای ۱۰٪ افزایش دستمزد، پرداخت

فرانک لورنزو. این نام به اسم رمز مبارزات کارگران آمریکا در سال ۸۹ بدل شد. لورنزو صاحب امتیاز اصلی شرکت هواپیمایی ایسترن، مردی که در سال ۸۲ اتحادیه‌های کارگری را در شرکت هواپیمایی کنتیننتال درهم شکسته و پائین ترین سطح دستمزد در میان کارگران شرکت‌های هواپیمایی را به کارگران این شرکت تحمیل کرده بود متناهی که تلاش کرد تا دست به اقدام مشابهی در شرکت ایسترن بزند با یکی از طوفانی ترین و مقاوم ترین اعتصابات کارگری دهه اخیر روبرو گشت. عکس و نام لورنزو که در مطبوعات بورژوازی به اتحادیه شکن معروف شده بود، به موضوع صدا چوک، کاریکاتور و تصویرهای هولایی تبدیل شد که کارگران اعتصابی سال ۸۹ همه جا از صف‌های اعتصاب معدنچیان ویرجینیا تا کارگران تفلن اعتصابی در نیویورک آنرا در صف‌های پیکت خود حمل کردند. آری، سال ۸۹، سال میثاقی بود. سالی که می توان از نقطه نظر مبارزات کارگری در آمریکا به آن یکی از پر تحرک ترین سالهای دهه ۸۰ لقب داد. شکستها و پیروزیهای این سال بدون شک تاثیرات مهمی بر آینده مبارزات کارگری و مضمون آن در طی دهه

اعتصاب کوتاه و از پیش شکست خورده را می کشیدند ولی موقعی که خلبانان و مهمانداران نیز به اعتصاب پیوستند صحنه بنفع کارگران تغییر کرد. مطبوعات بورژوازی تعجب و کارفرمایان و دولت خشم خود را از این همبستگی اعلام داشتند. دولت بلافاصله دست بکار تصویب اقدامات قانونی برای عدم گسترش همبستگی کارگری به دیگر شرکت‌های هواپیمایی شد. دادگاهها تهدید کردند که علیه اعتصابیون به اقدامات قانونی دست خواهند زد. مطبوعات بورژوازی از خطر فلج شدن رفت و آمد هوایی دم زدند. ماسک خیره‌خواهی دروغین آنها دریده شد و همبستگی بورژواها علیه کارگران بنحوی عیان بنمایش درآمد. ولی این تنها شروعی برای یک سال استثنایی بود. اعتصاب ۴۰۰۰ تن از معدنچیان آمریکا در حمایت از ۱۹۰۰ معدنچی اعتصابی شرکت ذغال سنگ پیستون ویرجینیا که در آوریل

بودن را از کارگران آمریکا بگیرد. مقاومت سازمانیافته و استخواندار کارگری و روی آوری به اشکال رادیکال مقاومت و اعتراض کارگری یکی دیگر از نقاط قوت مبارزات سال ۸۹ را تشکیل می دهد. برای تصویر کردن مهمترین صحنه‌های مقاومت و

نفوذ گسترده کمونیستها و سنتهای رادیکال مبارزه کارگری بود. ولی معادن تنها صحنه مقاومت و اعتراض نبودند. کارگران شرکت ایسترن

## جنبش کارگری آمریکا در سال ۸۹

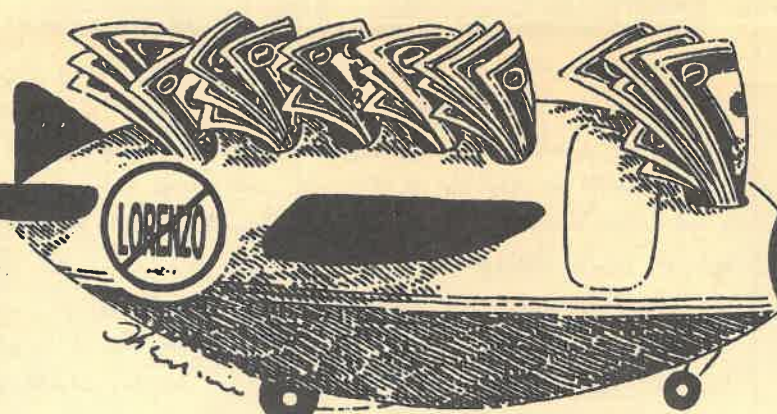
شهرهای آمریکا نیز در حمایت از اعتصابیون به راه پیمایی پرداختند. ۴۰۰۰ تن در پیترزبورگ دست به تظاهرات زدند و کمیته‌های حمایت از اعتصاب معدنچیان در اکثر شهرهای بزرگ آمریکا شکل گرفت. با وجود همه اینها نقطه اوج همبستگی کارگری در صفوف پیکت شکل گرفت. هنگامی که در اگوست ۸۹ بیش از ۱۵۰۰۰ تن از کارگران و کارکنان شرکت‌های تفلن آمریکا دست به اعتصاب زدند معدنچیان نمایندگان خود را برای ابراز حمایت به صف‌های پیکت اعتصابیون فرستادند. کارگران اعتصابی ایسترن هاهتی را به کمپ همبستگی فرستادند و در صفوف پیکت معدنچیان شرکت جستند. صحنه‌های مشابهی در اعتصاب ۵۷۰۰۰ تن از کارگران بوئینگ (بزرگترین شرکت هوا - فضایی جهان) تکرار شد. همبستگی کارگری اگر چه عمدتاً نه بصورت اعتصابات اما با اشکال متنوع مادی و

مبارزه کارگری باز هم باید به معادن رفت. دستگیری صدها تن از معدنچیان و خانواده‌های آنها و بیش از ۵۰ میلیون دلار جریمه تعیین شده از سوی دادگاه، همه و همه با مقاومت سازمانیافته کارگران نقش برآب شدند. معدنچیان نه تنها موفق شدند حملات پلیس ضد شورش را تاب آورند که با اشغال یکی از بزرگترین معادن ذغال آمریکا در ویرجینیا و اعتصاب نشسته در محل معدن دست به یکی از بی سابقه ترین اشکال اعتراض کارگران در سالهای اخیر زدند. اعتصابات موسوم به اعتصابات نشسته یکی از سنتهای

گاه به گاه پلیس بیش از ۱۰ ماه است که بطور منظم در سراسر آمریکا برگزار می گردند. اگر چه کارگران ایسترن را باید قهرمانان استقامت مبارزه کارگری نامید اما آنها تنها کسانی نبودند که یک اعتصاب طولانی را تاب آوردند. بیش از ۶۰۰۰۰ کارگر تفلن اعتصابی در نیویورک ۱۰۷ روز را در اعتصاب بسر بردند تا سرانجام کمپانی را بزانو درآوردند و قسمت مهمی از خواستهای خود را به کمپانی تحمیل کردند. بیش از ۲۰۰۰۰ تن از معلمان شهر لوس‌آنجلس در حالیکه زیر فشار شدید مطبوعات و رسانه‌های گروهی بورژوازی قرار داشتند بیش از یکماه در اعتصاب بسر بردند ولی سرانجام خواستهای خود را به دولت تحمیل کردند. می توان

از ۵۰ میلیون دلار جریمه تعیین شده از سوی دادگاه، همه و همه با مقاومت سازمانیافته کارگران نقش برآب شدند. معدنچیان نه تنها موفق شدند حملات پلیس ضد شورش را تاب آورند که با اشغال یکی از بزرگترین معادن ذغال آمریکا در ویرجینیا و اعتصاب نشسته در محل معدن دست به یکی از بی سابقه ترین اشکال اعتراض کارگران در سالهای اخیر زدند. اعتصابات موسوم به اعتصابات نشسته یکی از سنتهای

به دهها نمونه دیگر مقاومت و اعتراض کارگری در سال ۸۹ اشاره کرد اما آنچه از میان همه اینها برجسته می شود استقامت و ایستادگی کارگران است. کارگران آمریکا سال ۸۹ را پسال قدرتمندی، جمع آوری مجدد نیرو و مقاومت سازمانیافته بدل ساختند. اما علیرغم همه این دستاوردها نبردهای سال ۸۹ خالی از ضعفها و اشکالات جدی نیز نبود. ادامه دارد



معنوی در کلیه اعتصابات مهم سال ۸۹ به جلوه درآمد تا نشان دهد وحشیانه‌ترین تهاجم بورژوازی به دستاوردهای کارگران نیز قادر نخواهد بود حس هم سرنوشتی و جزو یک طبقه

شد و در نشریه "تره‌بون آزاد برای سیاست کارگری" نیز درج شده، کارگران ضمن تاکید بر لزوم اتحاد در مبارزه برای منافع مشترک خویش در بخشهایی از بیانیه خود خواستار مزد برابر در ازای کار برابر و بر مبنای میزان دستمزد در آلمان غربی، ایجاد شوراهای مستقل کارگری در مجتمعات و در ارتباط با کارگران غربی، ایجاد تاسیسات مدرن تکنولوژیک و بکار گیری ماشین آلات جدید، تجدید سازمان تولید بر مبنای احتیاجات جامعه و بر مبنای تصمیمات کارگران در آلمان شرقی و در ارتباط با کارگران آلمان غربی شدند و اعلام کردند دموکراسی و پیشرفت اجتماعی یعنی اینکه تولید، توزیع، و اداره جامعه تحت کنترل دموکراتیک کارگران در آید.

بنا به این گزارش کارگران ضمن اعلام اینکه مکانهای اشتغال نباید به هیچ وجه تا زمانیکه مکانهای جدید بوجود نیامده است از بین برده شود، خواستار علنی شدن تمامی همکاریها و نقشه های مشترک کارفرماهای آلمان غربی و شرقی شدند. به گزارش بیژن بهزادی در یک گردهمایی دیگر که در ماه مارس و در شهرک ذوب آهن شرق در آلمان شرقی برگزار شد مسئله بیکار شدن ۴۰ هزار کارگر فولاد آلمان شرقی که در چهارچوب قرارداد بین دو دولت آلمان مبنی بر "با صرفه کردن" صنایع فولاد شرق صورت می گیرد، مورد بحث قرار گرفت و در پایان بیانیه صادر شد. کارگران در این بیانیه که تحت عنوان "بیانیه مشترک کارگران فولاد راین هاوزن (آلمان

غربی) و کارگران فولاد مجتمع ذوب آهن شرق (آلمان شرقی)" و در نشریه "در کولکه" منتشر شد خواستار حفظ و تامین اشتغال بکار، داشتن حق کار، مزد برابر برای کار یکسان برای سراسر آلمان، قراردادهای یکسان کار و تامین اجتماعی یکسان برای سراسر آلمان، اتحادیه های کارگری مستقل و یکسان برای سراسر آلمان، قانون کار یکسان شدند و بر علنی شدن همه قرار و مدارهای فی ما بین کنسرنهای فولاد آلمان غربی و بنگاههای فولاد آلمان شرقی تاکید کردند. در این بیانیه گفته شده است "هم اکنون مذاکراتی بین مدیران مجتمع فولاد شرق و کنسرن کروپ، هوش، زالتسگیر و توسن در جریان است. نمایندگان سندیکایی و مشترک ما کارگران کجا هستند؟"

اعتصاب ۴۰۰۰ تن از معدنچیان آمریکا به حمایت از ۱۹۰۰ معدنچی اعتصابی شرکت ذغال پیستون، اعتصاب ۱۵۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت‌های تفلن آمریکا، اعتصاب ۵۷۰۰۰ نفر از کارگران بوئینگ، اعتصاب ۱۰۷ روزه بیش از ۶۰۰۰۰ کارگر شرکت تفلن در نیویورک از جمله مهمترین اعتصابات کارگران آمریکا در سال ۸۹ بوده است

آینده خواهد داشت. اگر در هم شکستن اعتصاب کارکنان برجهای مراقبت فرودگاه در سال ۸۱ توسط دولت ریگان دهه هشتاد را به دهه عقب نشینی و رکود در مبارزات کارگری بدل ساخت، اعتصابات معدنچیان، کارکنان شرکت‌های تفلن، کارگران ایسترن و بوئینگ در سال ۸۹ می تواند مقدمه‌های باشد تا سالهای ۹۰ را به سالهای پیروزی و پیشروی کارگران آمریکا مبدل سازد.

### نقاط قوت و پیروزیهای سال ۸۹

همبستگی کارگری. موضوعی که مطبوعات بورژوازی در این اواخر گاه با شوخی و استهزا و گاه بعنوان موضوعی که به تاریخ تعلق دارد به آن رجوع می کردند، در سال ۸۹ با قدرت و شکوه شکفت انگیزی جلوهگر شد. هنگامی که در سوم مارچ ۸۹ هزاران کارگر مکانیک شرکت ایسترن دست از کار کشیدند همه انتظار یک

### در گردهمایی کارگران دو آلمان :

دموکراسی و پیشرفت اجتماعی یعنی اینکه تولید، توزیع و اداره جامعه تحت کنترل دموکراتیک کارگران در آید

### ۴۰ هزار کارگر فولاد آلمان شرقی در معرض اخراج قرار دارند

مکان ذغال دو آلمان با یکدیگر ملاقات کردند و در مارس نیز نمایندگان از کروپ آلمان غربی با کارگران مجتمع ذوب فولاد شرق دیدار داشتند و بیانیه‌هایی صادر کردند. به گزارش بیژن بهزادی یکی از خبرنگاران کارگرمروز در آلمان در بیانیه هفت ماده‌ای گردهمایی فوریه که در "دویسبورگ" آلمان غربی برگزار

مرکز خبری کارگرمروز؛ بدنبال تحولات اخیر در دو آلمان، کارگران دو کشور در طی ملاقاتها و گردهمایی خود در تلاش برای دستیابی به اهداف و شکل واحد هستند. در فوریه نمایندگان از کارگران فولاد و



# کارگاه امروز

## منصور حکمت در گفتگو با کارگر امروز

**ارگر امروز:** تحولات اروپای شرقی و شوروی آنگاه تمامی جهان را بخود محوط کرده است. واقعیت هم بنشیند که ما در دوره تاریخی تعیین کننده‌ای بسر می‌بریم. با اینحال تاجی این رویدادها برای غرب و پیکره علی جهان سرمایه داری کمتر مورد بحث و بررسی بوده است. فکر می‌کنید وقایع اروپای شرقی چه نتایج اثباتی بر خود غرب "پیروز" دارد.

**منصور حکمت:** تاثیرات فوری این تحولات در درجه اول برای مردم اروپای شرقی و شوروی محسوس می‌شود. در این شک نیست. اما آنچه که دهن نود را برای دنیا به یک دوره تعیین کننده تاریخی تبدیل می‌کند، بنظر من نتایج این روند در مقیاس بین‌المللی و اساسا در خود جهان غرب است. فکر می‌کنم تحولات شوروی و اروپای شرقی در قیاس با آنچه می‌رود در خارج این بلوک رخ بدهد به یک پیش‌پرده کوتاه تبدیل خواهد شد. مقدمه و پیش‌در آمدی به یک تحول بسیار مهم تر تاریخی.

واقعیتی که در پس تمام این مباحث و جنب و جوش سیاسی و ایدئولوژیکی قرار دارد، شکست اقتصادی مدل سرمایه داری دولتی و غلبه سرمایه‌داری مبتنی به بازار بر این مدل است.

شوروی و اروپای شرقی تقسیم کار جهان سرمایه داری بطور کلی را دچار ابهام می‌کند. با ادغام بازار کار و کالا در بلوک شرق در یک بازار واحد جهانی تمام معادلات اقتصادی تاکنونی که کشورهای مختلف و اقشار و طبقات مختلف در طول چند دهه جای خود را در آن پیدا کرده بودند از نو باید تعریف بشود. این مسائل مجددا باز می‌شوند و نیروهای اجتماعی برای به کرسی نشاندن پاسخ خود به مصاف باهم کشیده می‌شوند. یک نمونه برجسته این آشفتگی خود

آشفتگی و تلاطم سیاسی و ایدئولوژیک در غرب و "جهان آزاد" سابق نشان خواهد داد که به نوبه خود بصورتی فعلی، و بویژه تبیین فعلی ژورنالیزم غربی، درباره آینده اروپای شرقی را نیز بسرعت کهنه خواهد کرد.

**ک.ا:** تاثیر این موقعیت بر جنبش طبقاتی و مبارزات کارگری چیست؟

**م.ح:** به نظر من دهه نود بطور کلی دهه بالا گرفتن جنبشهای اعتراضی کارگری در دل خود اروپا خواهد بود.

### وقایع اروپای شرقی مقدمه‌ای به تحولات عظیم‌تر در خود اروپای غربی است

به چند دلیل. اولاً، تعرض راست جدید، تاجریسم و اقتصاد ریگانی حدود یک دهه طبقه کارگر را زیر فشار گذاشته است. جزء لاینجزای این سیاست بریدن صدای تشکلهای کارگری نظیر اتحادیهها بود که در سیستم قبلی جایی برای خود داشتند. زدن اتحادیهها به اعتبار ورشکستگی سوسیال دموکراسی و دست بالای سیاسی و ایدئولوژیکی محافظه کاری جدید ممکن شده بود. امروز عواقب مغرب این سیاستها برای کارگر، مانند بیکاری، از کف رفتن خدمات اجتماعی و غیره بیش از هر زمان محسوس شده و در عین حال انسجام سیاسی و ایدئولوژیکی راست از بین رفته است. در کل اروپا مساله بیکاری و کار بدون تامین، مساله ساعت کار و غیره دارد به یک نقطه تمرکز برای تحریک جدیدی در جنبش کارگری تبدیل می‌شود و در عین حال بورژوازی امرهای پیشین خود برای ارباب سیاسی و فکری جنبش کارگری و بسیج ضد کارگری اقشار میانی را از دست می‌دهد. ثانیاً، افول اتحادیهها که لطافت فوری مهمی در زندگی این نسل از کارگران داشته در عین حال فضائی برای فکر تازه و روشهای الترناتیو در سازمانهای کارگری در اروپا بوجود آورده است. اعتراض رادیکال تر خارج از چهارچوب اتحادیه‌های موجود، براه افتادن حرکتی برای "دموکراتیزه کردن اتحادیهها" و یا اساساً ایجاد الترناتیوهای کارگری در برابر اتحادیه‌های تاکنونی، جبهی است که جنبش کارگری به خود گرفته است.

مساله دموکراسی بعنوان یک سیستم تفکر سیاسی و یک نظام اداری معین در جامعه بورژوازی است. می‌گویند دموکراسی در این میان پیروز شده است. کدام دموکراسی پیروز شده است؟ آن مجموعه‌ای از باورها و نیتیهایی که پرفسورهای خوش قلب و رادیکالهای سابق و غیره در ذهن خود دارند و تصور می‌کنند حرف آخر در آزادیخواهی بشر است، یا دموکراسی علمی، واقعی و فرموله‌ای که ایدئولوژی حاکم در غرب بود و چهارچوب فکری و تبلیغاتی "جهان آزاد" را می‌ساخت؟ دموکراسی هروسوما، جنگ سرد، کشتار در ویتنام، کودتاهای سیا، دیکتاتوریهایی نظامی، اشغالگری، نژادپرستی و سرکوب اتحادیه‌های کارگری. دموکراسی نیکسون، تاجر، ریگان، تایمز و اکونومیست. بیرون از دانشگاهها و محافل روشنفکران متوهم، این دموکراسی واقعی بعنوان ایدئولوژی حاکم در جهان غرب نیم قرن سطره داشته است. این دموکراسی دقیقاً به مثابه ایدئولوژی رسمی غرب در این تقابل بین‌المللی، دست بالا را در نبرد افکار در جامعه بورژوازی داشته است. بدرجه‌ای که این تقابل از میان می‌رود، خود این سیستم فکری حاکم هم بی‌خاصیت می‌شود و جامعه بورژوازی در غرب از نظر فکری دچار شکاف و ابهام می‌گردد. دوره‌ای که با تحولات شوروی و اروپای شرقی آغاز می‌شود دوره داغ‌ترین کشمکشهای فکری و سیاسی در خود غرب برای بازپایی یک سیستم فکری مسلط برای سرمایه داری معاصر است. در اروپای شرقی، در سرمایه داری دولتی، مکانیسم تغییر ریل اعلام پرسترویکها و کلاسنوستها توسط دولت است. در غرب، و در شرق نیز بدرجه‌ای که بازار پای خود را سفت می‌کند، مکانیسم پیدا شدن چهارچوب های فکری و سیاسی جدید نبرد واقعی و بالفعل نیروها و گرایشهای اجتماعی در سطوح مختلف است. این شروع شده. این را در انگلستان، آلمان، اسرائیل، شوروی، کشورهای خاورمیانه، آفریقای جنوبی و غیره می‌بینیم.

### فرو ریختن بلوک شرق سوالات اساسی را در برابر اقتصاد سیاسی و نظام فکری جهان غرب می‌گذارد و سر آغاز کشمکشهای اجتماعی وسیعی برای تعیین تکلیف آنها خواهد بود.

تمام بحثهای مربوط به پیروزی دموکراسی بر توتالیتاریسم، پایان کمونیسم، پیروزی غرب و غیره، همه اشکالی است که در دنیای امروز، یا لاقلاً آنهایی که در دنیای امروز پولش را دارند که آزادی بیان داشته باشند، از همین واقعیت اقتصادی حرف می‌زند. وقتی به این تحول پایه‌ای اقتصادی نگاه می‌کنید می‌بینید که اتفاقاً این جهان غرب و بلوک به اصطلاح پیروز است که با این رویداد وارد یک فاز تعیین کننده و پر افت و خیز در حاشیای می‌شود. افقی که جلوی بلوک و جریان شکست خورده قرار گرفته است کامیابش تعریف شده است. باید خود را به پیروز غرب شبهه کند. اما همین تحول بلوک پیروز را در قبال حال و آینده‌اش دچار تناقضات و ابهامات و آشفتگیهای اساسی می‌کند. فروریختن بلوک شرق سوالات اساسی را در برابر اقتصاد سیاسی و نظام فکری جهان غرب می‌گذارد و سرآغاز کشمکشهای اجتماعی وسیعی برای تعیین تکلیف آنها خواهد بود.

**ک.ا:** چه تناقضات و سوالاتی؟ آشفتگی به چه معنی؟

**م.ح:** در تمام سطوح اقتصادی و سیاسی و فکری، واقعیت اینست که بویژه در تمام طول دوره پس از جنگ دوم جهانی تقابل منتهای اقتصادی این دو بلوک و کشمکش سیاسی و فکری شان زندگی اقتصادی و سوخت و ساز سیاسی و فکری جهان غرب را قالب زده بود. سرمایه در غرب مبر این تقابل را در تمام ابعاد برخورد داشت. نه فقط در آرایشها و وحدتهای سیاسی و نظامی دولتها، بلکه در تمام سازمان تولید، استراتژی رشد و توسعه، و در کل سیستم فکری جهان غرب مبر این تقابل را می‌توان دید. امروزه فقط پیمان ناتو نیست که با حذف عملی پیمان ورشو زیر سوال می‌رود، فقط طرح بازار متحد اروپا بعد از سال ۹۲ نیست که باید با غربی شدن اروپای شرقی و وحدت دو آلمان کاملاً مورد تجدید نظر قرار بگیرد، بلکه تمام خطوط سیمای انسان غربی باید باز تعریف بشود. تحولات

غیره دارند، در جدائی از کارگر و اندیشههای کارگری از هم سبقت می‌گیرند، کارگر امروز را به تعمق درباره هویت طبقاتی ویژه خود ناگزیر می‌کند. بنظر من دهه نود کارگر را در قامت سیاسی و مبارزاتی جدیدی در برابر خود خواهد یافت.

**ک.ا:** مارکسیسم چگونه؟ موقعیت و دورنمای مارکسیسم را چگونه می‌بینید؟

**م.ح:** مارکسیسم بعنوان یک اندیشه و تکرش کارگری به جهان و به مبارزه برای تغییر جامعه بنظر من تازه در این دوره می‌تواند به جلوی صحنه رانده بشود. تازه گریبان کارگر دارد از هزار و یک نوع شبه مارکسیسم طبقات دارا خلاص می‌شود. می‌دانم که این واقعه نه نتیجه تعرض فکری و عملی مارکسیسم و سوسیالیسم کارگری بلکه حاصل ورشکستگی اقتصادی و سیاسی قطبهای شبه سوسیالیستی در برابر جناحهای دیگری از خود بورژوازی است. اینها هم می‌دانم که این اوضاع عرصه را بهرحال بر اندیشه سوسیالیستی و جنبش سوسیالیستی از هر نوع تنگ می‌کند. اما بهرحال، فشارهای ضد سوسیالیستی

### دهه نود بطور کلی دهه بالا گرفتن جنبشهای اعتراضی کارگری در دل خود اروپا خواهد بود. دهه نود کارگر را در قامت سیاسی و مبارزاتی جدیدی در برابر خود خواهد یافت.

زود گذرند. نفس وجود سرمایه داری به سوسیالیسم کارگری، و تکرش و تئوری ویژه این جنبش یعنی مارکسیسم زمینه می‌دهد. تا کارگر سرمایه دار هست مارکسیسم هم هست. اما اینبار این مارکسیسم بهرحال و طی هر روندی که پیش آمده، گریبان خود را از گرایشاتی که به این نام دنبال منافع غیر کارگری بوده‌اند خلاص کرده است. بعنوان یک مارکسیست، بعنوان یک فعال جنبش سوسیالیسم کارگری، شخصاً احساس می‌کنم راه پیشروی امروز بسیار بازتر است. از این گذشته اگر بناست جامعه بطور کلی از نو راجع به بسیاری از بنیادهای خود فکر کند، اگر بناست دهه نود دوران کشمکش افقهای اجتماعی در جامعه باشد و اگر بورژوازی می‌رود تا در یک آشفتگی

### اگر کسی آزادی سیاسی می‌خواهد نباید چیز به کارگر چشم امید داشته باشد. بورژوازی، چه ایرانی و چه غیر ایرانی، نشان داده که کارش و کسبش در کشوری مانند ایران بدون بی حقوقی ملوئی انسانها نمی‌چرخد.

این یعنی امکان بروز رادیکال تر و بنظر من کارگری تر اعتراضات و پیدا شدن جنبشهای کارگری که بتوانند واقعا به مسائل مهم طبقه در این دوره دست ببرند. و بالاخره بنظر من یک عامل مهم اینست که با تحولات اخیر کارگر امروزی هویت ویژه طبقاتی خود را بهتر حس می‌کند. همه دارند جشن دموکراسی می‌گیرند، کارگر آلمان شرقی و لهستانی، کارگر روسی در لیتوانی و استونی و غیره تازه دارد می‌فهمد که خود او را قرار است به نیش بکشند. برای کارگر اروپای غربی این دارد مفهوم می‌شود که پشت همه این قیل و قالها در مورد حقوق بشر و دموکراسی بالاخره خودش و فقط خودش، و بدون

**ک.ا:** جنبشهای ناسیونالیستی در شوروی بالا گرفته است. آینده اینها چیست. آیا مورد استقبال جهانی قرار خواهند گرفت؟

**م.ح:** یکی از گرایشهای اجتماعی که با انحلال بلوک شرق پا به میدان گذاشته، ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم یک عمر گرایش عزیز کرده در جامعه بورژوازی بوده است. همه قربان پرچم کشورشان رفته‌اند و هیچکس بابت این بدترین نمونه محدودنگری و جدائی از خصلت عام و جهانی انسان کسی را ملامت نکرده است. ناسیونالیسم امروز، مگر در برخی موارد، ربط مستقیمی هم با وجود ستم ملی پیدا نمی‌کند. سوال بیشتر اینست که جدائی برای بورژوازی این یا آن کشور از نظر منافع اقتصادی دراز مدت و توسعه منطقه‌ای اقتصاد صرف می‌کند یا نه. کما اینکه جناب استقلال طلب در لیتوانی و استونی در قدم اول حقوق سیاسی اولیه کارگر روسی را از او سلب می‌کند. بنظر من ناسیونالیسم مدافع رفع ستم ملی نیست. مدافع تجدید تعریف ملت بالا دست و پائین دست است.

در مورد آینده خود این حرکات فکر می‌کنم با توجه به ادغام اقتصادی جهان سرمایه داری، و با توجه به اینکه بورژوازی دارد نه به تفکیک دنیا به احاد ملی کوچک بلکه به الگوهای جدید برای بلوک بندیهای فراملی فکر می‌کند، ناسیونالیسم این دوره اقبال عمومی‌ای حتی در درون بورژوازی پیدا نمی‌کند. حتماً بعضی ها مستقل می‌شوند و بعضی نه. اما ملی گرایی و استقلال طلبی سوزنده مد روزی برای جهان سرمایه داری نخواهد شد.

**ک.ا:** تاثیر تحولات جهانی بر اوضاع ایران چیست؟ بسیاری از احزاب ایرانی با این تحولات چشم انتظار ظهور پارلمانتاریسم و دموکراسی در ایران هستند.

**م.ح:** اپوزیسیون لیبرال ایرانی، همبطنطور واریاسیون های جدید آنها که با دگرگونی توده‌ایسم سابق پیدا شده‌اند، به این شیوه تفکر عادت دارد. پیروز کنندی آمده بود قرار بود پارلمانتاریسم در ایران برقرار شود، دیروز کارتر و غیره. دموکراسی و پارلمانتاریسم هم هنوز قرار است بیاید! اینها نمی‌فهمند که سیاست و اوضاع سیاسی در جامعه از

### تقابل نیروهای مادی اجتماعی، چه داخلی و چه بین‌المللی، تعین می‌کند و نه از فرمولبندیهای سانتی مانند "صفر سقوط دیکتاتوری ها". "دیکتاتوری" را نیروی باید بر اندازد. "سقوط دیکتاتوری ها" نحوه‌ای است که اقشار میانی و روشنفکران امیدوار اروپا دوست دارند واقعات امروز را بفهمند، وگرنه خدایان عزم نکرده‌اند که دیکتاتوری ها را یکی پس از دیگری در دنیا برچینند. پلواه اینها فراموش می‌کنند که دموکراتیسم غیر رسمی و دانشگاهی و طبقه متوسطی در اروپا که چندی پیش فرمول سقوط دیکتاتوریها را باب کرده بود شدت اروپا محور است. تا آنجا که به خارج اروپا و بویژه به کشورهایی که سر و وضع مردمش مرتب نیست بر می‌گردد از نظر اینها برای اعلام وجود دموکراسی یک انتقادات فرمایشی با شرکت اپوزیسیونهای دستگاهی کفایت می‌کند. دموکراسی رسمی طبقه حاکم در اروپا هم که کلمه دموکراسی را در برابر بلوک شرق بکار می‌برد و اگر دموکراسی مساله‌اش بود نسل بعد از نسل دیکتاتوریهایی نظامی به کشورهای تحت سلطه خودش تحمیل نمی‌کرد و این کشورها را به قتلگاه و میدان جنگ تبدیل نمی‌کرد.

چیزی که می‌توان روی آن انگشت گذاشت تغییر در موقعیت عینی ایران و جریان اسلامی است. احتمالاً با حذف بلوک شرق ایران آن درجه حساسیت استراتژیکی سابق را برای غرب نخواهد داشت. همبطنطور سرمایه جهانی احتیاج مبرمی به کمربند سبز و پان اسلامیسیم پیدا نمی‌کند. بازسازی اقتصادی ایران هم فعلاً باید در صف بایستد تا تجدید سازمان اقتصادی اروپای شرقی به جایی برسد. همه اینها یعنی تغییر معادلات اقتصادی سال قبل و شاید جهت عمومی آن در تنگنا قرار گرفتن رژیم اسلامی باشد. اینکه ماحصل بحران اقتصادی و سیاسی در ایران چیست، پارلمان و دموکراسی، که معادل آزادی سیاسی نیست، یا نوع جدیدی از استبداد بورژوازی و یا الترناتیو انقلابی و رهاشیش کارگری، دیگر امری است که تقابل نیروهای اجتماعی تعیین خواهد کرد. شخصاً فکر می‌کنم اگر کسی آزادی سیاسی می‌خواهد نباید چیز به کارگر چشم امید داشته باشد. بورژوازی، چه ایرانی و چه غیر ایرانی، نشان داده که کارش و کسبش در کشوری مانند ایران بدون بی حقوقی مایه‌لوی انسانها نمی‌چرخد.

# Shame!

This is the text of an interview by the Voice of the Islamic Republic of Iran, the Iranian state Radio network, with an EIGHT-year old girl who works in a brickyard near Tehran. Shocked already? Just read on:

- Can you tell me your name?  
- Masumeh Shojaii.  
- Masum, what were you just doing love?  
- Collecting the bricks, those that are dried.  
- Is anybody with you?  
- I am helping mum and dad.  
- Are there any other children here who also help their parents?  
- Yes.  
- How old are you?  
- I am eight.  
- How many bricks a day can you collect here?  
- Two thousand.  
- How many hours do you help your mum and dad here?  
- From morning to evening.  
- You are with your father and mother from morning to evening?  
- Yes.  
- Don't you get tired?  
- Yes, I do.  
- What do you do when you



- get tired?  
- I sit down and rest.  
- Masum dear, can you tell me what you wish most?  
- I wish I did not have to work here, I wish I could go to school.  
- Don't you go to school?!  
- No.  
- You have never been to school?  
- No.  
- Do you know what going to school is good for?  
- Yeah, you become literate.  
- Can you tell me why you and your brother and your parents came here?  
- We came to make some money.  
- You don't have money?  
- No we don't, not for our living.  
- Do you know how much they give you all?  
- Yes. 93 Tomans (70 cents) a day.  
- Do you think this is enough for working from morning to evening?  
- No.  
- It's not enough?  
- No.  
- You cannot live on that?  
- No.  
- Where do you live here, have they given you somewhere to stay?  
- Yes. It belongs to the master.  
- Is it clean, is it hygienic?  
- No.  
- How?  
- There are creepy cockroaches in the room?  
- Aren't you afraid of them?  
- Yes. But we have to live there.

capacity for the political intimidation of the workers' movement and populist mobilisation of the middle strata against our class. Secondly, the decline of unionism, while having immediate detrimental effects on the life of millions of workers, has created an environment for new thinking and alternative practices in worker organisation in Europe. The workers' movement has already moved towards more radical actions organised outside the traditional union structure, campaigns for "democratisation of unions"

ideals, are trampling on each other's feet, forces the worker today to think more deeply about his and her specific class identity. I think the '90s will find the worker in a totally different political pose.

WT: What about Marxism? How do you see its prospects?

MH: It is only now that Marxism, as a working class outlook for social change can come to the fore. It is only now that the worker is being freed from a host of quasi-Marxisms of the propertied

then Marxism as a valid critique and outlook will once again come to the fore in society.

WT: Nationalist movements in the Soviet Union are on the rise. How do you think they will fare? What kind of response will they get internationally?

MH: One of the social currents unleashed by the demise of the Eastern bloc is nationalism. Nationalism has long been a pampered social movement in bourgeois society. It seems very "natural" and respectable to be a nationalist in this society. Everybody is worshiping his own national flag and no one has ever been reproached for this blatant departure from the

universal and international identity of humanity. Nationalism today, apart from a few cases, is no longer even related to national oppression. For the most part it is derived from earthly economic considerations of the local bourgeoisie about the prospects for regional economic development. No wonder we see that the honourable nationalist in Lithuania and Estonia begins his campaign by stripping the Russian worker of his basic political rights. In my view nationalism does not aim at ending national oppression. It merely strives to re-define the oppressed and oppressor nations.

As for the future of these movements, I think with the economic integration of the capitalist world and in view of the fact that the bourgeoisie is not at present thinking in terms of small national units but rather new international blocs, nationalism will not find a very encouraging environment within the capitalist class. Some may gain independence and some may not. But nationalism and

Iran:

## Minimum Wage Up

WTNS reports:

Workers' minimum wage was recently raised from 830 to 1000 rials. The last increase was two years ago and, despite an official annual inflation rate of 25% (the real rate runs into three figures) the minimum wage remained unchanged for two years. In 1989 and early this year, workers' protest actions and strikes for wage increases gained a new momentum. The latest example of these was the strike in January by 13,000 workers at the Melli Shoe factory. These actions, together with a wave of street protests during the winter, forced the Iranian regime to increase minimum wage in an attempt to restrain the popular discontent.

According to Kayhan - one of the main daily newspapers - the Supreme Labour Council determined the daily minimum wage at 1000 rials. The report states that "The Labour Minister

was also present in the Council's meeting on 25 February. After some discussions and taking into account the rate of inflation provided by the Central Bank, the meeting decided to increase the daily wage by 170 rials to provide for a minimum living standard."

Reuter News Agency in its report from Tehran described the government decision as an attempt to calm popular discontent following recent unrests and demonstrations.

The 1986 Statistical Yearbook of the Islamic Republic estimated the average living costs of an urban household to be 3500 rials per day. Even with the official rate of inflation, the average cost of living for an urban household today would be 7000 rials per day. This is seven times the present minimum wage of 1000 rials per day, which is equivalent to a purchasing power of less than one dollar. The recent minimum wage rise applies to only about two million and 400,000 workers who are covered by the Labour Law. The minimum wage for the rest of workers is practically much below 1000 rials.

the cause of political independence will not become a fashionable subject for the capitalist world.

WT: How do you see the repercussions of the world situation on the Iranian situation? Many opposition parties are hoping that it would lead to the emergence of a parliamentary democracy in Iran.

MH: The Iranian liberal opposition, with their new recruits from the previously pro-Soviet parties, are used to this approach to politics. Yesterday it was the election of Kennedy or Carter that was to bring them their parliament. They are still waiting! They do not understand that politics in a society is conditioned by the struggle of material, real social forces and not by sentimental formulations such as the "era of the end of dictatorships". "Dictatorship" must be overthrown by real forces.

well off, a mock election would suffice for them. The official ruling class democracy, for its part, which used the term democracy to characterise any kind of political regime outside the rival bloc, will not give our liberal his democracy. If it were so, then it would not have turned the world into a world of military juntas, police states and military interventionism for decades.

What can be said is that the position of Iran and the Islamic current is now objectively changed for international capital. With the elimination of the Eastern bloc, Iran may not have the same strategic significance as before and Pan-Islamism, with the idea of a green belt around the Soviet Union becoming redundant, may not be as much in demand. Post-war economic reconstruction of Iran must also wait its turn until the restructuring of the economies of Eastern Europe gets moving. All this

**Nationalism does not aim at ending national oppression. It merely strives to re-define the oppressed and oppressor nations.**

or creating alternative organisations are spreading. This helps the emergence of movements that are more radical and are able to deal with urgent class issues. Finally, a very important point is that with the recent developments workers are bound to grasp their specific class identity. While everybody is joining the feast in the honour of democracy, the East German and Polish worker, the Russian worker in Lithuania and Estonia, is just beginning to realise that he himself is being barbecued and served as the main course. The West European worker is realising that behind all this razzmatazz about democracy and human rights, it is the worker and the worker alone who should take care of his economic interests and political rights, without hoping for anything to come from the intelligentsia who fill social democratic parliamentary seats or professional union posts. The fact that non-working class strata and their movements, in their race to dissociate themselves from the worker and worker

classes. I am aware that this has not been achieved through a theoretical and practical offensive by worker-Marxism and worker-socialism, but has come about by the collapse of the quasi-socialist poles under pressure from other sections of the bourgeoisie itself. I am also aware that the present situation circumscribes socialism and socialist thought in general. But anti-socialist pressures will prove short-lived. Capitalism by nature gives rise to worker socialism and Marxism. As long as there is worker and capitalist, there also is Marxism. But this time this Marxism has rid itself of all the currents that have pursued non-worker interests in its name. As a Marxist, as an activist of worker socialism, I personally feel that the way forward is more open. Besides, if society as a whole is going to re-think its foundations; if the '90 are to be the decade of struggle between social outlooks, and if the bourgeoisie is heading for an ideological vacuum - all of which are characteristics of the '90s -

**There will be more pressure on the Islamic regime in Iran. However, whether or not the situation would result in parliamentary democracy, or new kinds of bourgeois despotism, or the victory of workers revolutionary alternative, is something that real social forces will determine.**

Such formulations are produced by the middle classes and intellectuals in Europe as naive and subjective descriptions of much more objective processes. It is not as though the gods have set out to topple dictatorships one after the other. Besides, the Iranian liberal forgets that the unofficial and academic democracy in Europe that produces such formulation for mass consumption is extremely Eurocentric. As far as the countries outside Europe are concerned, especially those in which people are not so

may mean more pressure on the Islamic regime in Iran. However, whether or not the situation would result in parliamentary democracy, or new kinds of bourgeois despotism, or the victory of workers revolutionary alternative, is something that real social forces will determine. I personally think that whoever wants political freedom must look to no one but the working class. The bourgeoisie, Iranian or otherwise, has proved that it cannot prosper in a country like Iran without suppressing the political rights of millions.

## Workers in Melli Shoe Industrial Group Demand a 30% Pay Rise

From Page 12

Excerpts from the resolution passed by striking workers:

- 1- The guaranteed implementation of the job classification scheme - retrospectively, since 1983 - and the settlement of all overdue payments.
- 2- Payment of 300,000 rials of the overdue amount in advance; payment of the rest in monthly instalments of 20 thousand.
- 3- A 30% pay rise.
- 4- None of the workers should be arrested or persecuted and those in custody should be released.
- 5- The elimination of all the restrictive disciplinary regulations of the workplace.

workers were arrested on factory bus services.

According to the CPI report, on hearing the news of the arrests, outraged workers attacked and beat up the agents and informers of the Islamic regime in the factory. Later, shouting THE

ARRESTED WORKERS MUST BE RELEASED!, they stormed the administration offices of the factory and took a number of managers and the Personnel section's officials hostage in an effort to force the release of their colleagues.

The director of the Melli Shoe Industrial Group:

A number of opportunist, and partly counter-revolutionary, individuals have bullied the workers to go on strike in these circumstances.

## E.G. Metal Goes for a 9% Wage Increase and a 37-hour Week

Germany:

E.G. Metal, one of the largest unions and the leader of the 1984 campaign for 35 hour week, declared that it postpones this demand in favour of wage increases. According to Financial Times, the union is now pressing for a 37 hour week and a 9 percent wage increase. The Frankfurt section of the employers' association has proposed a 5.5 percent increase in its recent round of negotiations with the

The CPI also reports that after a week-long strike, workers returned to work following promises by the management and the authorities that the arrested strikers would be released and the job classification scheme would be rapidly implemented. According to the same report, the workers of the Melli Shoe Group in the city of Rasht were also on strike at the same time.



union. The spokesman for E.G. Metal has warned that employers' refusal to meet the union's demand would lead to a nationwide strike by German Metal workers. E.G. Metal has 2.5 million members.

## The Right to Strike in Mozambique

Following a wave of strikes in Mozambique, the government has included the right to strike in the new draft of the Constitution.

The Head of State declared, "We are not opposed to strikes, as long as they are not against national interests."

According to *International Labour Reports*, in the recent strikes, workers of metal, glass and textile industries, railways, as well as hospital workers were involved. The rail strike brought the Moputo rail network to a standstill for two days.

## Strike Threat By Siberian Workers

the affairs ourselves." He added: "In this region 12,000 tonnes of oil are produced every second. At international prices this brings in a revenue of 120 million dollars." However, "Just in our union, 200,000 live in sub-minimum standard houses; one in five are not covered by medical services; the children go to school on a three-shift basis, while the maximum legally allowed level is two shifts."

A deputy in the Council of Ministers said in an interview with the *Moscow News* "Moscow is aware of the problems of the Siberian workers and will not ignore their demands." In response to the threatened strike call he added, "despite the gravity of the situation, there will be no strike."

According to the same report, the USSR Council of Trade Unions has announced that should the Government turn down the workers' demands the Council will back the strike call.

At the time of writing, the Soviet government has asked for an extension of the deadline before it replies.

# Developments in Eastern Europe and Prospects for Worker Socialism

The present events in the East will be looked upon in the future as a mere prelude to far more significant developments in the world as a whole.

Mansoor Hekmat is a co-founder of the Communist Party of Iran and an influential figure in the socialist movement in Iran. He talked to *Worker Today* about the developments in Eastern Europe and their implications for workers' socialist struggle. Excerpts:

**Worker Today:** The developments in Eastern Europe and the Soviet Union have seized the attention of the whole world. We do indeed live in a decisive historical period. However, the impact of these events on the West and the main body of the capitalist world remains unexplored. How, in your view, will these developments affect the "victorious" West?

**Mansoor Hekmat:** The immediate results of this process will naturally be felt first by the people in Eastern Europe and the Soviet Union. But what makes the '90s a crucial historical period is in my view the subsequent international results of this process and its impact on the Western world. The present events in the East will be looked upon in the future as a mere prelude to far more significant developments in the world as a whole.

The salient fact behind all this political and ideological turmoil is the economic collapse of the state capitalist model and the triumph over it of market capitalism. All the discussion and commentary by the Western media, echoed in the public opinion, about the "end of communism" and the victory of democracy and the West, are but the modes and forms of referring to the same economic reality. But when you look at it closely, you see that it is in fact the West and the so-called victorious bloc that is thrown into a turbulent and

**Capitalism by nature gives rise to worker socialism and Marxism. As long as there is worker and capitalist, there also is Marxism.**

critical period in its history. The prospects facing the defeated bloc is more or less defined. It has to emulate the West's past. But it is the present and future of the victorious bloc that is now, with the events in Eastern Europe, wrapped up in contradictions and uncertainties. The collapse of the Eastern bloc poses serious questions for the political economy and the ideological set up in the

The events in Eastern Europe initiate an era of fierce political and ideological struggles in the West for reshaping an official and dominant ideological framework for contemporary capitalism.

West and gives rise, for the their resolution, to massive social confrontations.

**WT:** What contradictions and uncertainties?

**MH:** In economics, politics and ideology. At all levels. The fact is that, particularly throughout the post-war period, the economic, political and intellectual life of the West had been shaped by a global confrontation between the two blocs. We can see the mark of this confrontation not just on the military and political alignments of states, but on the whole organisation of production in the Western world, in its strategy and patterns of growth and development, and in its whole intellectual and conceptual frame of thought. Today it is not just Nato that is rendered useless with the virtual elimination of the Warsaw Pact. It is not just the plan for the 1992 integration of the European market that has to be

with the westernisation of the Eastern Europe and the German re-unification. The whole profile of Western society must be re-defined. The whole global economic set up, which had assigned the position of the various countries and social classes for decades, must be defined anew with the full integration of the world capitalist market. These questions are open again and draw social forces, each

with its own solutions, to an intense struggle.

The most conspicuous expression of this confusion concerns democracy itself,

both as a system of political thought and as a form of government in bourgeois society. We are told that democracy has triumphed. Which democracy are they talking about? The naive notions that crowd the minds

**The '90s will be a decade of intensified worker protest movements. Movements that are more radical and are able to deal with urgent class issues. The '90s will find the worker in a totally different political pose.**

of pious professors and ex-radicals and is seen by them as the last word on human liberation, or the practical, real and well-articulated democracy that has been the official ruling ideology in the West and provided the intellectual and propaganda framework for the "Free World"? The democracy of Hiroshima, the Cold War, genocide in Vietnam, CIA coups and military Juntas, racism and Union busting. The democracy of Thatcher, Reagan, The Times and The Economist. This is the real democracy that has ruled the world. This is precisely the banner under which the West articulated and organised itself in its competition for world domination with the opposite bloc. To the extent that this confrontation is eliminated, this ideological framework itself becomes redundant and the West suffers confusion and division. The events in Eastern Europe

initiate an era of fierce political and ideological struggles in the West for reshaping an official and dominant ideological framework for contemporary capitalism.

In short, the world is entering a turbulent period which has its main source of instability not in the East but in the West itself, which will in turn make the present assumptions of the Western media about the future of Eastern Europe obsolete and irrelevant.

**WT:** In what way does this situation affect the working class movement?

**MH:** I think the '90s will be a decade of intensified worker protest movements. For a number of reasons. First, for more than a decade the offensive of the New Right, Thatcherism and Reaganomics, has pressurised the working class. Part and parcel of this offensive was the suppression of trade unions. This in turn was made possible with crisis of social democracy and the political and ideological supremacy of new conservatism. Today the destructive results of these policies for the workers - unemployment, loss of social services etc. - are felt more than ever while the ideological and political cohesion of the Right is lost. In the whole of Europe questions such as unemployment and lack of job security, working week and so on are becoming a focus for a renewed surge of workers' movement, while the bourgeoisie is losing its

Issued monthly  
in Persian, with  
a supplementary  
English section.

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr12
Denmark	DKr13
W.Germany	DM3
France	FF12
Britain	£1.2
USA	US\$3
Canada	Can\$4
Elsewhere	US\$3

Page 12, Vol.1, No.1, Tuesday May 1, 1990

صفحه ۱۲، سال اول، شماره ۱، یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۹

In One of the Biggest Trials Against Militant Workers

## Mass Trial of 980 Saab Workers in Sweden

To All Sweden's Workers!

We the metalworkers at Saab-Scania in Södertälje are involved in a hard struggle for a pay rise claim of 5.5 SKr an hour demanded by our workshop union. This is equivalent to only 1.5% of Scania's profits of 3.6 billion Crowns in 1989.

The company's stubborn refusal to give us improved working conditions and a living wage has forced us into a series of "wildcat" actions and strikes.

Now the company and the branch employers' association is stepping up the battle by suing nine hundred and eighty (980) of us before the Labour Court.

In one of the biggest trials ever in Sweden against militant workers, the company and the branch employers' association do not only want to punish us for our strikes. Their objective is to frighten all wage-earners into silence and submission. Therefore a victory for us is also a victory for all wage-earners - private and state alike.

We refuse to accept that Europe's most profitable truck firm should continue to pay us low wages and provide a poor working environment.

We refuse to accept the dictates of the branch employers' association and the Swedish Employers' Association (SAF).

We run the risk of "strike fines" of up to 200,000 Skr plus court costs. We need your support. We have therefore set up a fine-fund. The money will be used to pay the fines as well as meet the cost of collective travel to the Labour Court.

- Contributions to be sent to:

Post Giro No. 407 34 66-7 (Sweden)  
(The Strike-Fine Fund of Saab-Scania Workers in Södertälje)

- Messages of support to be sent to:

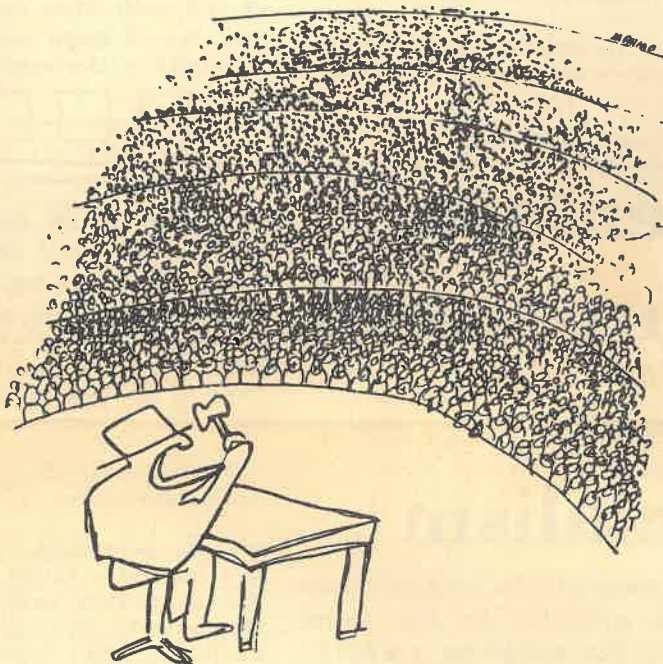
Berra Ahnberg  
Nydalvägen 129  
151 51 Södertälje  
Sweden

Berra Ahnberg  
In charge of  
fund collection

The Saab-Scania truck producing firm and the employers' association in Sweden are bringing legal action against 980 workers of the Södertälje branch of this company - near Stockholm - on "charges" of recent "wildcat" strikes. This mass trial is part of the employers' campaign to force the Saab workers and the

Swedish workers as a whole into submission.

Below we publish the text of the appeal published by the Saab workers in Södertälje. The postal giro account for sending contributions and the address for solidarity messages are printed at the end of the appeal - WT



Do you have anything to say  
in your defence?

### Strike Threat by Siberian Oil & Gas Workers

WTNS reports:

In a letter to Ryzhkov, the Prime Minister, and Shalayov, head of the USSR Council of Trade Unions, leader of the Committee of the Oil and Gas Workers Union in the Tyumen region in Siberia threatened to call a strike unless the Government meets their demands by 1 April. This union has a membership of 700,000 and the workers in Tyumen produce 60% of the entire oil and gas output of the Soviet Union.

According to a report in the *Moscow News*, the general secretary of the Tyumen Union said "We cannot live hoping that things will change for the better tomorrow or that we'll be able to take control of

Page 11

### Iran:

## Minimum Wage Up 20%

Page 10

### Independent National Union in South Korea

Despite months of strong opposition by the employers and the state, the National Confederation of Independent Unions of South Korean Workers (Minju) was founded in January this year. The first congress of the Union was attended by representatives of 300-400 thousand workers from 1000 unions.

According to a report in *International Labour Reports*, the Minju Union is the result of the unification of independent local and regional unions formed in the past several years alongside the yellow state unions.

In November last year the heads of 30 large companies formed a general employers' council with the objective of hindering the growth of the new union. At the same time, the S.Korean President declared a nationwide war on "illegal union activity". Later, a number of Minju Union leaders were arrested and their offices raided. Court order has also been issued for the arrest of the union leader. The Minju Union replaces the "National Conference of Labour Movement" formed during the '80s. It has on its agenda both the issue of wage increases and social and political demands.

### S.Africa

The strike by railway workers, during which 30 workers were killed by management thugs and hundreds were injured, ended after three months on January 31. The workers succeeded in forcing employers to recognise their union and reinstate 23000 dismissed workers. However the demand for a wage increase of 900 rands could not be realised. According to *International Labour Reports*, the strike was in response to management's plan for massive layoffs in April under the privatisation scheme.

### Mexico

121 worker organisations have formed a new national union to counter the policies of the official Confederation of Mexican Workers and fight for workers' right to strike and collective bargaining. *The Workers Advocate* reports of the death of one worker and the injury of several others when government thugs attacked and occupied the headquarters of the new union during the strike.

### Iran:

## 13000 Workers in Melli Industrial Group Demand a 30% Pay Rise

### \* Hundreds of strikers arrested and imprisoned

WTNS reports:

In January this year about 13000 workers of the 22 factories of the Melli Shoe Industrial Group in Tehran went on strike for a 30% pay rise and the implementation of the job classification scheme. A resolution containing strikers demands was passed (see box). The strike escalated to a full confrontation with the regime. Informers were beaten up; the *Islamic Council* of the Azadeh factory resigned; the factory executive director was replaced; government officials and the Pasdaran (the paramilitary armed forces) arrived in the factory and threatened the workers; hundreds of strikers were arrested and their release was added to the demands of the strike; a number of executive

directors and factory chiefs were taken hostage by the workers in an attempt to force the release of their arrested colleagues.

According to a report by the Communist Party of Iran, matters came to a head after a declaration by the *Islamic Council* that the pledge given by the management five months earlier to implement the job classification scheme was no longer valid. It took only three days for the strike to sweep the whole industrial group. Chanting UNITY, UNITY, WORKERS UNITE!, the

striking workers went to other factories of the Concern, appealing to their fellow workers to join the strike.

In a number of threatening speeches by the management and government officials, the strike was condemned as a "sin", and workers were warned not to be provoked by the "counter-revolution". Once threats and promises failed, Evin prison Pasdars, who had been brought to the factory, began arresting the workers. Workers' homes were raided at night. Many

Page 11

The representative of the Prosecutor addressing the workers:

"If you get your demands then it will be the turn of the workers in the Steelworks and the oil industry, and so on. And once the oil workers go on strike it means the entire people of Iran. We shall silence you so that your strike cannot spread to other places."